



«گنج پنهان»

«ارتقاء جایگاه مادری؛ بررسی عوامل قتل جنین و رفع آن»

تقدیم به محسن بن علی (ع)

نویسنده: رضا رضای رحمتی

مقدمه:

جامعه، بدون خانواده بی معناست. چون خانواده سلول های یک جامعه را می سازند و ما برای جامعه سازی از خانواده باید شروع کنیم محور این خانواده مادر هست، هرچقدر جایگاه مادری در دل و ذهن جامعه ما ارتقاء یابد، یک گام به سوی جامعه مهدوی حرکت خواهیم کرد. چون مادران فاطمی، نسل ظهور را می سازند. ما در ما در این سلسله سخنرانی ها، در ضمن بیان جایگاه مادری، به بررسی عوامل قتل جنین و رفع آن می پردازیم از جمله این عوامل می توان به مسائل اقتصادی اشاره کرده، همچنین ترس از حرف مردم و اینکه مردم چه خواهد گفت، عدم همکاری همسری در فرزندآوری و دست تنها بودن زنان، سخت پنداشتن تربیت فرزندان، شی پنداری جنین، وقت نداشتن و کوچک شمردن گناه قتل جنین و ...

امید است این اثر، گامی کوچک برای هدفی بزرگ یعنی تحقق ظهور منجی عالم بشریت باشد.



- ۴ مجلس اول: «مادر، الگوی آخرین امام»
پیام: جنین، جسم بی جان نیست
- ۱۴ مجلس دوم: «مادر هستی»
پیام: فضائل کمک به همسر در فرزندآوری!
- ۲۲ مجلس سوم: «قدرت مادر»
پیام: خدای رزاق تو، خدای رزاق فرزند تو است
- ۳۳ مجلس چهارم: «مادر انقلاب»
پیام: از ترس سرزنش دیگران، جنینی را بی جان نکن
- ۴۵ مجلس پنجم: «نقش پنهان مادر»
پیام: به خاطر رنج شیرین مادری، رنج تلخ قتل
جنین را به جانت نخر



جلسه اول: «مادر الگوی آخرین امام»

خانواده فاطمی، مقدمه ساز، جامعه مهدوی

ما در جهانی زندگی می کنیم که به آن جامعه جهانی می گویند. این جامعه جهانی، با همه بزرگی که دارد خیلی کوچک شده است. آنقدر کوچک که گاهی به آن دهکده جهانی می گویند.

این دهکده جهانی بدون کدخدا نیست، دعوای اصلی بر سر خدا و کدخدایی این دهکده است. کدخدایی که تیشه به ریشه جامعه زده است و خدایی که برای نجات بشر، من و تو را فراخونده است. فرمود: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ ؛ شما بهترین امتی هستید که به سود انسانها آفریده شده‌اند»^۱ ما

باید قدمی برای ظهور برداریم و مهم ترین اقدامات برای نجات بشر، بر دوش ماست. چرا گاهی اوقات از این مسئولیت جهانی، شانه خالی می کنیم. امام فرمودند: «مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه ای مسئولین را از وظیفه ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمام سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند»^۲ مسئولین باید بیشترین تلاش خودشان را برای رفع مشکلات اقتصادی انجام دهند، و البته مردم هم اگر در اقتصاد نقش آفرین نباشند قطعاً مشکلات حل نمی شود. اما امام می فرماید نباید نقشه راه را گم کنیم. نقشه راه ما، ظهور است، برای آن نقشه بکشیم و برنامه ریزی کنیم بعد مشکلات خودمان هم حل خواهد شد. این جامعه جهانی، یک آینده روش بیشتر ندارد و آن جامعه مهدوی است. فرمود: «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۳ این شما هستید که میراث دار زمین هست و نتیجه سه هیچ به نفع شما هست. در نقشه کلی که خدا برای ما کشیده است، سرانجام قطعی و حتمی ما جامعه مهدوی است. هرچند جبهه مقابل تمایلی به این نتیجه نداشته باشد^۴. ما دیگر عقبگرد نداریم، هرچه در پیش رو هست، روشنایی است، آن آینده روشن، جامعه جهانی مهدوی است. این سرانجام حتمی و قطعی ماست؛ شکی در این نیست. منتها باید

۲. ۲ فروردین ۱۳۶۸

۳. اعراف، ۱۲۸

۴. التوبة: ۳۳ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ



بینیم چطور این جامعه جهانی را باید به سمت جامعه مهدوی ببریم؟ اصلاً آیا ما می‌توانیم در این مسیر نقش آفرین باشیم؟ بله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ خداوند متعال سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آن‌ها ابتدا خودشان سرنوشت خودشان را تغییر بدهند و برای تغییر سرنوشت خودشان اقدام کنند.»^۵ سهم ما چیست در سرعت بخشی و سهل کردن و هموار کردن مسیر و برداشتن موانع مسیر رسیدن جامعه جهانی به سوی جامعه مهدوی. فقط با این انگیزه است که می‌توان ایرانی آباد و آزاد ساخت، چرا که امروز بدون اینکه طرحی برای آزادی و آبادانی جهان نداشته باشیم نمی‌توانیم جامعه خودمان را آباد و آزاد کنیم. چرا که ما در دهکده جهانی زندگی می‌کنیم که تمام مسائل آن به هم گره خورده است. امنیت، سلامت، اقتصاد، فرهنگ، همه چیز ما در دهکده جهانی به هم تنیده شده است.

امام (ره) «دهکده جهانی» را قبل از اینکه اصطلاحش در جهان باب شود، مطرح کردند،^۶ ایشان می‌فرمودند که ما باید کدخدای این دهکده را-که امام‌زمان(ع) است- بیاوریم، باید همه این دهکده را درست کنیم، نمی‌شود یک خانه را آباد کنیم و بقیه خانه‌ها خراب باشند، نگاه حضرت امام(ره) این‌گونه بود که امروز هر مسئله‌ای در یک گوشه دنیا واقع بشود، مسئله دنیاست، نه مسئله همانجا» امام از سال‌ها قبل مفهوم دهکده جهانی را بیان فرموده بودند و فرمودند ما نسبت به جهان مسئولیت داریم.

۵. رعد، ۱۱.

۶. «برادران و خواهران من، ما امروز در یک عصری واقع هستیم که تمام دنیا، تمام کشورها، از اقصی نقاط عالم تا اینجا، به منزله یک خانه شدند.»

نهج البلاغه، ح ۴۷.

آدم های بزرگ، دنبال آبادی و آزادی یک جامعه هستند، آدم های بزرگتر به دنبال آبادی و آزادی یک جهان هستند. فرمود: «قَدَّرَ الرَّجُلُ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ؛ قیمت و ارزش آدم ها به اندازه اهتمام آنها هست»^۷. بنابراین ما یک نقطه موجود داریم و یک نقطه مطلوب. فقط کافی است مسیر درستی را برای جامعه جهانی بیابیم تا برسیم به جامعه مهدوی. مسیر درست کجاست؟ از کجا شروع کنیم تا بتوانیم جامعه جهانی را به جامعه مهدوی برسانیم؟ از طواغیت شروع کنیم؟ الان چقدر زور و بازوی ما می رسد طواغیت را نابود کنیم. از روشنگری شروع کنیم؟ از همان ابزاری که دشمن برای تسلط خودش بر جوامع بشریت استفاده می کند، از همان ابزار جهان را بیدار کنیم. اما روشنگری را از کدام نقطه آغاز کنیم؟

خانواده، نقطه آغاز شکل گیری جامعه مهدوی

خانواده، آن نقطه شروع برای حرکت به سوی جامعه مهدوی است، چرا که جامعه بدون خانواده جامعه نیست، جمع پراکنده است. اگر نظام سلطه، برای نابودی جامعه، خانواده را نشان گرفته است.^۸ ما برای نجات جامعه، چه باید بکنیم جز اینکه برویم سراغ خانواده. برای رفتن به مسیر درست لزوماً نباید مسیر جدیدی را انتخاب کنیم، اگر همان مسیر اشتباه را پاک کنیم، به مسیر درست نزدیک خواهیم شد. مسیر اشتباهی که جامعه بشریت را به سمت آن بردند، نابودی خانواده است. ما برای نجات جامعه بشریت، خانواده را باید بسازیم. خانواده سازی، مقدمه جامعه سازی است. چرا؟ چون جامعه را خانواده می سازد. بدون خانواده، جامعه مرده متحرکی بیش نیست.

۷. نهج البلاغه، ج ۴۷

۸. يَهْلِكُ الْخَرْثُ وَ النَّسْلُ، بقره، ۲۰۵



چرا خدا خلقت جهان را با یک خانواده آغاز کرد نه جمع پراکنده؟

خدا هم خلقت جهان را با یک خانواده آغاز کرد. خانواده‌ای که محور هستی هستند، مادر این خانواده محور آن خانه است. مادر، ریشه بشریت است. خانواده فاطمی، مقدمه ساز جامعه مهدوی است. خدا هدایت خودش را سپرده به یک خانواده، نبوت را خانوادگی کرد. راز خانوادگی بودن نبوت چیست؟ چرا مسیر نبوت، مسیر خانوادگی است؟ اهل بیت نبوت. خدا نمی توانست به یک جمع پراکنده، ماموریت نجات بشریت را بدهد. چرا من و شما باید خانواده پیغمبر را دوست داشته باشیم؟

چرا مزد رسالت، محبت به خانواده پیغمبر است؟

چرا مزد رسالت، محبت به خانواده پیغمبر هست؟ فرمود: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^۹ خدا انگاری نمی خواهد از خانواده دست بکشد. همه چیز اینجا خانوادگی است. درود بر پیغمبر هم بدون درود بر خانواده او ابتر و ناقص است. اینها پیام خداست به ما، برای خدا خانواده، حتی برای پیغمبری مهم است. خدا می توانست جانشیان پیغمبران را از خانواده آنها انتخاب نکند؟ چرا خدا اینقدر روی خانواده پیغمبر اصرار دارد؟

مادر محور خانواده

بعد محور این خانواده نبوت را مادر خانواده قرار می دهد؟ همه چیز با مادر شروع می شود و به مادر ختم می شود. خانواده فاطمی، جامعه مهدوی را شکل خواهند داد. دولت مهدوی، دوله الزهرا (س) است. الگوی این

فرزند فاطمه، مادرش هست.^{۱۰} اینجا همه چیز خانوادگی است. محور این خانواده هم مادر است.

اما امروز دشمن تمام تلاش خودش را می کند تا این محور یعنی مادری را نابود کند. اگر مادری در جایگاه رفیع خودش در دل و ذهن مردان و زنان جامعه ما بود، برای مادر شدن رقابت بود. گاهی آنقدر این محور هستی، محور خانواده تضعیف می شود، مادر از اینکه مادر شده است احساس شرمساری می کند و حاضر هست فرزند دلبند و مظلوم خودش را سقط کند، به خاطر ترس از حرف دیگران.

ما اگر برای جامعه مهدوی می خواهیم قدمی برداریم، باید قدمی برای رفعت جایگاه مادری برداریم. همان نقطه قانونی که الان نظام سلطه سعی در تخریب و محو آن دارد.

نابودی مادری با قتل جنین

یکی از راه های که امروز مادری را نابود می کنند، موضوع قتل جنین است. بسیاری از مادران خودشان را نابود می کنند، با قتل جنین خودشان. احساسات مادرانه خودشان را سرکوب می کنند؛ یکی از عوارض سقط جنین اضطراب است. برخی تحقیقات نشان می دهند اضطراب و استرس پس از سقط جنین، شایع تر از افسردگی هستند. روح مادر و روحیه مادری چطور از بین می رود؟ با قتل جنین.

جنین، جسم بی جان نیست

احساس شیرینی مادری، تبدیل می شود به احساس گناه. چرا اضطراب، چرا استرس؟ چرا افسردگی؟ چون مادر، مادر هست. با این قتل جنین دیگر مادر، مادر نیست، قاتل است. بعد می پرسید چرا اینکار را کردید؟

۱۰. «قال المهدی (عج): «إِنَّ لِي فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ أَوْهَةً حَسَنَةً؛ الْكُوْ وَ اسْوَهُی نِکْوِی مِنْ دَخْتَرِ فَرَسْتَادِهِ خَدَا (فاطمه زهرا «سلام الله علیها» است»



می گوید: «جنین جسم بی جان هست؛ شلوغش نکنید» باور نمی کنند، سقط جنین، عین قتل یک انسان هست حتی اگر روح هم دمیده نشده باشد، همه مراجع حکم به حرمت قتل جنین داده اند مگر در موارد بسیار خاص آن هم بعضی از مراجع.

مادران محترم! بروید نهی از منکر کنید، نهی از منکر، فقط این نیست که یک دختر خانم بدحجابی یا بی حجابی را دیدید، تذکر دهید، کجا هستند آمران به معروف و ناهیان از این منکر بزرگ، یعنی قتل جنین؟ شما به دخترت به عروست، به نزدیکانت بگو، اینکار قتل هست. کمتر از این هم نیست. بگو جنین، جسم بی جان نیست. قتل جنین، این، جنایت هست، این قتل هست اسمش را گذاشتیم سقط جنین، فکر می کنیم حقیقتش عوض می شود؟ نه قتل جنین است، این بزرگترین جرم و جنایت است. ما یک گناهان کبیره داریم یک گناهان صیغره اما در میان گناهان کبیره، باز ۷ گناه داریم در میان گناهان کبیره، بزرگتر از بقیه گناهان کبیره هست؛ یکی از گناهان کبیره، که خیلی کبیره هست فرمود: «قَتَلَ نَفْسٍ؛ أَكْبَرُ الْكَبَائِرِ سَبْعُ الشُّرُكِ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ قَتَلَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ»^{۱۱}

شخصی از امام صادق (ع)، از زنی که فرزندی داشته و دارویی خورده است و همسرش هم از این موضوع خبر نداشته است؛ حکمش چیست؟ حضرت فرمود دیه دارد بعد شرایط دیه را ذکر می کنند، بعد شرایط ارث بردن را حضرت ذکر می کنند در آخر می فرماید مادر قاتل است و قاتل از فرزند مقتولش ارث نمی برد.^{۱۲}

۱۱. تفسیر فرات کوفی، ص ۱۰۲.

۱۲. «عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ امْرَأَةٍ شَرَبَتْ دَوَاءً وَ هِيَ حَامِلٌ وَ لَمْ يَعْلَمْ بِذَلِكَ زَوْجُهَا فَأَلْقَتْ وَلَدَهَا قَالَ فَقَالَ إِنْ كَانَ لَهُ عَظْمٌ وَ قَدْ نَبَتَ عَلَيْهِ اللَّحْمُ عَلَيْهَا دِيَةٌ تَسْلَمُهَا لِأَبِيهِ وَ إِنْ كَانَ حِينَ طَرَحَتْهُ عِلْقَةً أَوْ مُضْغَةً فَإِنَّ عَلَيْهَا أَرْبَعِينَ دِينَارًا أَوْ عُرَّةً

ما خیلی اوقات با این مسئله خیلی ساده و سطحی برخورد می کنیم می گوییم: «ای بابا! این جنین که جان ندارد، چه دیه چه قتلی؟» اما حضرت محکم می فرماید این مادر قاتل هست؛ دارویی خورده و فرزندش را به قتل رسانده است؟ قدیم ترها، زنده به گور می کردند، حالا در شکم مادر، مادرها و پدرها رضایت به کشتن فرزندانشان می دهند.

در فرانسه از ۱۸۱۰ تا ۱۹۵۵ «سقط جنین» به هر دلیلی جرم محسوب می شد؛ در سال ۱۹۴۲ حکومت ویشی در این کشور پا را فراتر گذاشت و سقط جنین را «جنایت در حق دولت فرانسه» اعلام کرد. حتی در سال ۱۹۴۳ در فرانسه زنی با نام «دزیره پیوژ» را نیز به جرم دست داشتن در ۳ سقط جنین، اعدام کردند.^{۱۳} البته بعداً این قوانین را تغییر دادند اما الان هم برخی از کشورهای پیشرفته قوانین سخت گیرانه برای سقط جنین گذاشته اند، جرم و جنایت هست. حتی از دل مردم، نهضت مردمی راه انداخته اند، در آمریکا، بچه ها را در کودکی آموزش می دهند برای مبارزه با قتل جنین. حالا ما چه کرده ایم؟ باید در جامعه نهضتی برپا شود، ما چرا از فرصت حضرت محسن بن علی (ع)، برای حفظ جنین در جامعه خودمان استفاده نکنیم؟ الان روزانه نیم میلیون در کشور قتل جنین داریم؟ آماری وحشتناکتر از کرونا، آماری وحشتناک تر از تصادفات جاده. بر اساس آمار وزارت بهداشت در کشور سالانه ۲۰ برابر بیشتر از فوتی های ناشی از سوانح رانندگی، سقط جنین داریم! در واقع ما با یک فاجعه انسانی روبه رو هستیم.^{۱۴}

تُؤَدِّيَهَا إِلَى أَبِيهِ قُلْتُ لَهُ فَهِيَ لَا تَرِثُ وَلَدَهَا مِنْ دَيْتِهِ مَعَ أَبِيهِ قَالَ لَا لِأَنَّهَا قَتَلَتْهُ فَلَا تَرِثُهُ» (کافی، ج ۷، ص ۱۴۱)

۱۳. خبرگزاری تسنیم، ۲۳۱۰۴۰۹.

۱۴. خبرگزاری تسنیم، خبر شماره ۲۳۱۰۴۰۹.



من نیت کنم، نذر کنم، به نیت حضرت محسن بن علی(ع)، در خانواده خودم، فرهنگ سازی کنم، یک جنین را نجات دهم. نجات یک جنین، نجات کل بشریت است. فرمود: «مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»^{۱۵} فرهنگ زشت، قتل جنین را تبدیل کنیم به فرهنگ زیبای، حفظ جنین.

آیا فرزندآوری اتلاف وقت است؟

بعضی از خانم ها هم، انگیزه سقط فرزند خودشان را وقت نداشتن بیان می کنند. چرا احساس می کنید، وقت گذاشتن برای بچه، اتلاف وقت هست؟ کارهای مهم تری هست؟ وقتی شما کار خودت را دست کم گرفتی، کارهای دیگر مهم تر می شود. فرمود: «مَا يَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ نَسَمَةً تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ چه چیز مؤمن را باز می دارد از اینکه همسری را اختیار کند بدان امید که خداوند فرزندی به او روزی دهد که زمین را به لا اله الا الله سنگین کند؟»^{۱۶}

پیغمبر خدا(ص) فخر عالمین فرمود: «فَأَنَّى مُكَاتِرٌ بِكُمْ الْأُمَمَ غَدًا فِي الْقِيَامَةِ حَتَّىٰ إِنْ السَّقَطُ لَيَجِيءُ مُحْبِنُطًا عَلَىٰ بَابِ الْجَنَّةِ فَيَقَالُ لَهُ ادْخُلِ الْجَنَّةَ فَيَقُولُ لَا حَتَّىٰ يَدْخُلَ أَبُوَايَ الْجَنَّةَ قَبْلِي؛ من در فردای قیامت به فرونی شما بر امت ها افتخار می کنم، تا جایی که فرزند سقط شده با انتظار و ناراحتی بر در بهشت می آید به او گفته می شود: وارد بهشت شو. در پاسخ گوید: خیر وارد بهشت نمی شوم؛ مگر این که پدر و مادرم پیش از من وارد شوند.»^{۱۷} باورتان می شود شما با فرزندآوری کار بزرگی برای رسول الله(ص) انجام می دهید؟ مادران

۱۵. مائده، ۳۲.

۱۶. الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۲.

۱۷. الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۳.

محترم! هر فرزند، يك مدل افتخاری است برای پیغمبر.
بعد خود این فرزند چه آثاری معنوی برای پدر و مادر
دارد، جای خودش بحث دارد. پس مادر شدن، کار بزرگی
است. وقت گذاشتن برای فرزند، کار بزرگی است. این کار
بزرگ کوچک نگیریم.



جلسه دوم: «مادر هستی»

مادر یعنی ریشه

یکی از شئون و مقامات حضرت زهرا (س)، مادری کردن است. او مادر مومنین است. او مادر هستی است. این مادر بودن یک معنای ظاهری دارد ولی اگر به عمق معنایش دقت کنی. خیلی حرف دارد. مادر یعنی چه؟ مادر یعنی ریشه. مادر داشتن یعنی ریشه داشتن. پدر هم که باشی نیاز داری که مادر داشته باشی. لذا فاطمه زهرا می شود ام اییها.

قدیم ها به کسی می خواستند خیلی فحش بدی بدن می گفتن ای بی پدر و مادر! خیلی فحش سنگینی بود. یعنی تو ریشه و بوته نداری! تو به جای وصل نیستی. ما وصل به چشمه همیشه جوشان هستیم؛ ما ریشه داریم. ما ریشه ما برمی گردد به خانواده نبوت و به

این ریشه داشتن افتخار می کنیم. مسرویم. توپمان پر هست! حالمان خوب است! چرا؟ آخ ما ریشه داریم. چرا حالمون خوب نباشد؟ ما پشتمون گرم است! ما وصل به خورشیدیم. این تعبیر شاعرانه است یا آیه قرآن هست و روایات که داره با این زبان برای شما گفته می شود؟ این اتصال آنقدر شدید هست که حالات قلبی ما را هم تحت تاثیر خودش قرار می دهد، ارتباط قوی هست. عمار ساباطی گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم که مردی گفت: «اللهم صلّ علی محمد و اهل بیت محمد» امام صادق به او فرمودند: ای مرد! دایره صلوات را بر ما تنگ کردی. امام صادق به او فرمودند: ای مرد! دایره صلوات را بر ما تنگ کردی. آن مرد عرض کرد: چگونه صلوات بفرستم؟ حضرت فرمود: «قُلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَتَكُونَ نَحْنُ وَ شِيعَتُنَا قَدْ دَخَلْنَا فِيهِ» ؛ بگو «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد» تا ما و شیعیان ما نیز داخل باشیم.^{۱۸} حتی در صلوات شیعیان خودشان را داخل کرده اند. شیعیان را آل پیغمبر حساب کرده اند.

ما مادر داریم! ما خوشبختیم

امشب تو صبح جا داره زمزمه کنیم ما ریشه داریم. ما مادر داریم! ما خوشبختیم؛ رفقا من به شما بگویم خوشبختی با احساس خوشبختی دو تاست ما خیلی اوقات خوشبختی داریم ولی احساس خوشبختی نداریم و این از بدبختی ماست. آمد پیش حضرت گفت آقا بدبختم حضرت فرمود خوشبختی.

تا حالا شده از اینکه مادری مثل حضرت زهرا(س) داریم، خوشحال باشیم؟ راستی چقدر من باحالم، حالم خوبه! مثل کسی که تازه منتسب به یک



مجموعه علمی می شود. می رود دانشگاه او را به عنوان دانشجو می پذیرند. او را به عنوان یک عضو جدید الورد می پذیرند. این حس را در خانه اهل بیت داری؟ اگر حس خوشبختی با وجود مادری مثل حضرت زهرا(س) را نداریم، شبیه آن کسی هست که جیبش پر پول هست ولی می رود از دیگران گدایی می کنیم! چرا؟ تو که ریشه داری، چرا از درون پر نیستی! دست پرا دلت پرا! هر جا می روی بگو توپ پر هست.

آقا یعنی گرفتاری نداری شما؟ بلا هست ولی دلت پر هست، توپت پر هست، خم ابرو نمی آوری کیف می کنی در بلا هم می چشم لذات او بلا که هست ولی بلاش را هم عشق هست. ما بلد نیستیم از دارای همان از سرمایه های خدای مان سودآوری کنیم. ما وقتی می رویم در خونه دیگران و با دارایی های خودمان مثل مادری مثل حضرت زهرا(س)، گدای دیگران هستیم، یعنی کفران نعمت می کنیم. آقا ما حالمون خوب نیست تو کافری! کفران نعمت کردی! در دست چه قایم کردی؟

مهم ترین سرمایه شما چیست؟

پس یکی از معانی مادر بودن، یعنی ریشه داشتن. اما چرا حضرت زهرا(س) مادر مومنین؟ اصلاً مادر بودن یعنی چی؟ مادر بودن یعنی در این عالم تمام برکات از ناحیه مادر به ما می رسد. مهم ترین سرمایه شما چیست؟ محبت به اهل بیت(ع). حضرت فرمود: «يَا ابْنَ النُّعْمَانِ إِنَّ حُبَّنا أَهْلَ الْبَيْتِ يُنْزِلُهُ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ خَزَائِنِ تَحْتَ الْعَرْشِ كَخَزَائِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ؛ ای پسر نعمان! محبت ما اهل بیت ع را خدا از آسمان نازل کرد، از گنجینه های زیر عرش مثل گنجینه های طلا

و نقره»^{۱۹} بعد فرمود این طوری نبود که این گنج را به هرکسی بدهند به یک عده خاصی دادند؛ حالا این سرمایه از کجا به شما رسیده است؟

ما رفقا! باور می کنید سرمایه دار هستیم؟ «مردی نزد آقای ما امام صادق علیه السلام آمد و از فقر بدو شکایت کرد، فرمود: مطلب چنان نیست که تو گوئی، و من تو را فقیر شناسم، گفت ای آقایم بخدا خوب وانرسیدی و شمه‌ای از فقر و نیاز را یادآور شد و امام صادق او را دروغگو می‌شمرد- تا فرمودش- بمن بگو اگر صد اشرفی طلایت دهند که از ما بیزاری جوئی میگیری؟ گفت نه تا هزارها اشرفی فرمود، و آن مرد سوگند می‌خورد که نه، فرمودش کسی که متاعی با خود دارد که باین همه پول نمی‌فروشد، او فقیر است؟»^{۲۰} حالا این سرمایه با عظمت و این ثروت بی انتها از کجا به ما رسیده است؟ از ناحیه مادر!

رسول خدا (ص) فرمود: «اگر در دلت محبت ما اهل بیت را احساس کردی، خدا را شاکر باش به اولین نعمتی که خدا به تو داده است. پرسیدند آقا اولین نعمت چیست؟ پاکی ولادت؛ رَسُولُ اللَّهِ صَ مِنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى أَوْلَى النِّعَمِ قُلْتُ وَ مَا أَوْلَى النِّعَمِ قَالَ طِيبُ الْوِلَادَةِ وَ لَا يُحِبُّنَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وَلَادَتُهُ.» در روایت دیگر فرمود این پاکی ولادت به خاطر پاکدامنی مادر هست. برو از مادرت تشکر کن. فرمود: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ مَنْ وَجَدَ بَرْدَ حُبَّنَا عَلَى قَلْبِهِ فَلْيَكْثِرِ الدَّعَاءَ لِأُمِّهِ

۱۹. تحف العقول، ص ۳۱۳.

۲۰. «مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، قَالَ: إِنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى سَيِّدِنَا الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَشَكَا إِلَيْهِ الْفَقْرَ، فَقَالَ: لَيْسَ الْأَمْرُ كَمَا ذَكَرْتَ وَ مَا أَعْرَفَكَ فَقِيرًا. قَالَ: وَ اللَّهُ يَا سَيِّدِي مَا اسْتَبَيْتُ «۱»، وَ ذَكَرَ مِنَ الْفَقْرِ قِطْعَةً وَ الصَّادِقُ يُكَذِّبُهُ، إِلَى أَنْ قَالَ لَهُ خَيْرَنِي لَوْ أُعْطِيتَ بِالْبَرَاءَةِ مِائَةَ دِينَارٍ، كُنْتُ تَأْخُذُ قَالَ: لَا إِلَيَّ أَنْ ذَكَرَ الْوَفَّ دَنَائِيرَ وَ الرَّجُلُ يَخْلِفُ أَنَّهُ لَا يَفْعَلُ، فَقَالَ لَهُ مَنْ مَعَهُ سِلْعَةٌ يُعْطَى بِهَا هَذَا الْمَالُ لَا يَبِيعُهَا هُوَ فَقِيرًا!» (امالی، ص ۲۹۸)



فَإِنَّهَا لَمْ تَخُنْ أَبَاهُ»^{۲۱} من نمی دانم شما چطور می خواهید از مادرتان تشکر کنید؟ از دست و پایش را می خواهید بوسه بزنید؟ هدیه می خواهید بخرید؟ گلی تقدیم کنید فقط به این انگیزه که بذری این محبت شما به اهل بیت (ع)، ریشه در مادر شما دارد.

هرکسی خدمتی به بشریت کرده است، محصولی خلق کرده است حالا محصول مادر چیست؟ فرزند. فرزندی که در سینه او این گوهر با عظمت محبت اهل بیت (ع)، قرار دارد، این چیز کمی هست؟ مادر ریشه همه برکاتی هست که به انسان و جامعه بشری می رسد.

هرچقدر در جامعه فرهنگ تکریم مادر، جایگاه مادری، ارتقاء پیدا کند، بزرگترین خدمت به زمینه سازی برای جامعه مهدوی است. چون مادران هستند که فرزندان مهدوی را خلق می کنند.

سقط جنین، قتل میل مادری

مادر ریشه همه برکات مادی و معنوی انسان و جامعه است. اگر این ریشه تقویت نشد، جایگاه آن، بعد مادر می شود یک مسئله فرعی. الان چرا میل به مادری، در جامعه زنان کمتر شده است؟ میلی که اگر پاسخ داده نشود، آسیب های جدی روحی و جسمی به مادر می زند. مادران ما بسنده کرده اند به یکبار مادر شدن. حتی حاضرند فرزند دلبنده خودشان را با دست خودشان به قتل برسانند. سقط جنین همین هست، سقط جنین قبل از اینکه قتل جنین باشد و جنایت، قتل میل مادری است. مادرها خودکشی می کنند، خودزنی می کنند، وقتی میل مادری خودشان را می کشند.

چقدر مادرانی هستند که بعد از سقط جنین خودشان،

یعنی جان خودشان، یعنی کشتن بخشی از وجود خودشان خودکشی می کنند؛ چرا؟ حداقلش این هست که دیگر سلامت روان ندارند، افسرده می شوند، علت چیست؟ چون مادری که سقط جنین کرده است، بخشی از وجود خودش را کشته است. چون فرزند انسان، پاره تن انسان هستند، مادر اولاً حال مادر را خوب می کند. بعد حال پدر را، مادری اولاً حال مادر را خوب می کند بعد حال تک فرزند شما را، یادتان باشد مادری، قبل از اینکه حال خانواده را خوب کند، حال مادر خانواده را خوب می کند و وقتی حال مادر خانواده خوب شد، حال خانواده هم خوب خواهد شد. چون این مادر هست که حال خوب را در خانواده تقسیم می کند.

همسر کمک نمی کند!

وقتی از برخی از مادران محترم می پرسید چرا می خواهید سقط جنین کنید، می گویند همسر کمک نمیکند، من دست تنها هستم. آقای محترم! اگر می خواهید خانم شما، برای شما خانمی کند، اول باید حال او خوب باشد. حال خوب او، به این است که میل به مادری در او همیشه زنده باشد، شما چه کاری می توانید برای خوب شدن حال همسران می توانید انجام دهید؟ وقت بگذارید به او کمک کنید. او احساس تنهایی نکند.

امیر مومنان امام علی علیه السلام فرمود: روزی در حالی که فاطمه (س) نزدیک من نشسته بود و من عدس پاک می کردم، پیامبر صلی الله علیه و اله وارد شدند و فرمودند: ای ابوالحسن! عرض کردم لبیک یا رسول الله! فرمود: آنچه می گویم بشنو زیرا من هیچ حرفی نمی زنم مگر اینکه به دستور پروردگار است. بعد فرمودند: «إِنَّ مِنْ رَجُلٍ يُعِينُ امْرَأَتَهُ فِي بَيْتِهَا إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ عَلَى بَدَنِهِ عِبَادَةٌ سَنَةً. صِيَامُ نَهَارِهَا وَ قِيَامُ لَيْلِهَا وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ



الثَّوَابِ مِثْلَ مَا أَعْطَاهُ اللَّهُ الصَّابِرِينَ وَ دَاوُدَ النَّبِيَّ وَ يَعْقُوبَ وَ عِيسَى ع ؛ مردی که به زن خود در خانه کمک کند، خدا ثواب یک سال عبادتی را که روزها روزه باشد و شبها به قیام و نماز ایستاده باشد به او می‌دهد. خداوند ثواب صابران و ثواب یعقوب و داود و عیسی علیهم‌السلام را به او عطا خواهد کرد.» عجیب تر ادامه حدیث هست؛ فرمود: «یا علی هر مردی که در خانه در خدمت خانواده خود باشد و آن را ننگ نداند خداوند نام او جزو شهدا می‌نویسد و ثواب هزار شهید را در هر روز شب برای او محاسبه می‌کند. برای هر قدمی که بر می‌دارد ثواب یک حج و عمره می‌نویسد و به هر رگی که در بدن اوست در بهشت شهری به او عنایت می‌کند. یا علی یک ساعت خدمت کردن در خانه از عبادت هزار ساله و هزار حج و هزار عمره بهتر است. -خدمت کردن به عیال از آزاد کردن هزار بنده و هزار جهاد و عیادت هزار بیمار و شرکت در هزار نماز جمعه و شرکت در هزار تشییع جنازه و سیر کردن هزار گرسنه و پوشاندن هزار برهنه گرفتن هزار اسیر در راه خدا بهتر است. ثواب خدمت کردن به خانواده از هزار دینار صدقه دادن به درویشان بهتر است. یا علی مَنْ كَانَ فِي خِدْمَةِ الْعِيَالِ فِي الْبَيْتِ وَلَمْ يَأْنَفْ كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى اسْمَهُ فِي دِيْوَانِ الشَّهَدَاءِ وَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ ثَوَابَ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ كَتَبَ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ ثَوَابَ حَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ- وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى بِكُلِّ عِرْقٍ فِي جَسَدِهِ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ يَا عَلِيُّ سَاعَةً فِي خِدْمَةِ الْعِيَالِ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ وَ أَلْفِ حَجٍّ وَ أَلْفِ عُمْرَةٍ وَ خَيْرٌ مِنْ عِتْقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ وَ أَلْفِ غَزْوَةٍ وَ أَلْفِ عِبَادَةِ مَرِيضٍ وَ أَلْفِ جُمُعَةٍ وَ أَلْفِ جَنَازَةٍ وَ أَلْفِ جَائِعٍ يُشْبِعُهُمْ وَ أَلْفِ عَارٍ يَكْسُوهُمْ وَ أَلْفِ فَرَسٍ يُوجِّهُهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَلْفِ دِينَارٍ يَتَصَدَّقُ عَلَى الْمَسَاكِينِ» آخر روایت فرمودند: «یا علی خدمت نمی‌کند عیال خود را مگر کسی که

صديق يا شهيد باشد يا مردی که می خواهد خدا خیر دنیا و آخرت را به عنایت کند؛ يَا عَلِيَّ لَا يَخْذُمُ الْعِيَالُ إِلَّا صَدِيقٌ أَوْ شَهِيدٌ أَوْ رَجُلٌ يُرِيدُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^{۲۲} باید فرهنگ کمک کار بودن برای همسر در خانواده ها جا بیفتد، خانم احساس دست تنهایی نکند، بعد برود بدترین کار یعنی قتل جنین را مرتکب شود.

چقدر امیرالمومنین در خانه کمک می کرد، حضرت زهرا(س) مادری می کرد. از آن سو حضرت زهرا(س) مادر امت و ریشه همه خوبی های هست که به امت پیغمبر می رسد. یکی از خوبی های که از مادر هستی، حضرت زهرا(س) به ما می رسد این است که پیغمبر به سلمان فرمود: «سلمان! محبت به فاطمه(س)، صد جا به کار می آید؛ يَا سَلْمَانُ حُبُّ فَاطِمَةَ عَ يَنْفَعُ فِي مَائَةٍ»^{۲۳}

۲۲ . جامع الأخبار ص: ۱۰۳-۱۰۲.

۲۳ . ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۹۴.



جلسه سوم: «قدرت مادر»

زن ها قوی تر هستند یا مردان؟

اگرچه مشهور است که آقایان مظهر قدرتند و بر سر قدرت با یکدیگر رقابت و فخر فروشی می کنند ولی در یک نگاه دقیق و عالمانه می توان گفت از جهاتی خانم ها نسبت به آقایان قدرت مند ترند. چرا که اصل قدرت نه به جسم بلکه به قدرت روحی بر می گردد. در برخی روایات به این قدرت روحی خانم ها نسبت به آقایان تصریح شده است. مثلاً صبر که یکی از مصادیق بارز قدرت روحی است، در خانم ها بشتر دیده می شود. امام صادق ع فرمود: خداوند برای خانم ها این قدرتی را قرار داده است که به اندازه ده مرد صبر کند و اگر خانم ها در این تمرین پیروز شوند قدرت ده مرد دیگر را پیدا می کنند؛ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ صَبْرَ عَشْرَةِ رِجَالٍ فَإِذَا حَصَلَتْ زَادَهَا قُوَّةَ عَشْرَةٍ

رَجَال»^{۲۴} یعنی یک زن می تواند توان روحی بیست مرد پیدا کند. واقعا عجیب است که چنین استعداد و قدرتی در بانوان قرار داده شده است.^{۲۵}

مقام معظم رهبری می فرمودند: «من گاهی در بعضی از جلسات عقد که عروس و دامادها پیشم می آیند وقتی نصیحت شان می کنم در خلال حرف هایم به این نکته هم اشاره دارم که بعضی حمل بر شوخی می کنند؛ من در محاسبات نهایی، زن را قوی تر از مرد می دانم. اعتقادم این است [که] مرد هارت و هورتش زیاد است، اما آنکه بالاخره در یک مقابله، اگر این مقابله طول بکشد، پیروز خواهد شد زن است؛ یعنی زن بالاخره با روش ها و وسایلی که خدای متعال در اختیار و طبیعت او گذاشته، بر مرد غالب می شود؛ این یکی از زیبایی های طبیعت و از اسرار خلقت است. به مرد استخوان درشت تر، قد بلندتر و صدای کلفت تر داده اند، اما به زن در مقابل این امکانات، لطافت های روحی و وسایل نفوذ روی مرد را داده اند تا تعادل برقرار شود.»

یکی دیگر از مصادیق بارز قدرت روحی، که باز در خانم ها می تواند بیشتر باشد؛ نیت است. حضرت صادق ع فرمودند: بدن احساس ضعف نمی کند زمانی که نیت شخص قوی باشد؛ «مَا ضَعُفَ بَدَنٌ عَمَّا قَوَّيْتُ عَلَيْهِ النَّيَّةُ» (الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۰). چه چیزی به نیت قدرت می دهد؟ محبت و شدت علاقه ی که موتور حرکت نیت است. ما معمولا کارهای که با آنها علاقه داریم با قوت انجام می دهیم. مثلا خانمی که به همسر و فرزندش علاقه داشته باشد، ساعت ها هم که در منزل کار کند،

۲۴. کافی، ج ۵، ص ۳۳۹.

۲۵. برگرفته از مبحث قدرت و شکوه زن، علیرضا پناهیان

۲۶. بیانات در دیدار شورای مرکزی جمعیت زنان ۷۱/۲/۱۵، نقش و رسالت زن، ج ۳،

ص ۵۷، دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه ای.



احساس خستگی نمی‌کند. انرژی اش را از نیتش می‌گیرد. این محبت مادر، زبانزد و شهره‌ی عالم است. آنچنان که نماد و علامتی برای فهم میزان محبت خدا به انسان قرار گرفته است؛ پیامبر گرامی اسلام (ص) در جریان یکی از غزوات، مادری را دید که در بحبوحهٔ نبرد و در گرمای شدید آفتاب، فرزندش را در آغوش گرفته است و فارغ از همه‌جا، دارد به او شیر می‌دهد، در این حال یاران خود را خطاب قرار داد و فرمود: «آیا از مهربانی این مادر نسبت به فرزندش تعجب می‌کنید؟! همانا محبت خداوند به شما بندگان از محبت این مادر به طفل شیرخوارش بیشتر است.»^{۲۷}

حالا این محبت پشت سر نیت یک مادر قرار بگیرد چه قدرتی در نیت او ایجاد می‌کند فقط خدا می‌داند و بس. مثل اتم عمل خواهد و در مقدرات الهی تغییر و تاثیرگذار خواهد شد.

حالا می‌خواهم سوالی را مطرح کنم؛ اگر مادرها برای فرزندان و فرزندآوری نیت کنند. مثلاً خدایا من از تو می‌خواهم فرزندم از بندگان خاص شما شود؛ این نیت واقعا موثر است؟ چه کسی به قدرت نیت مادران ایمان دارد؟ خود مادران چقدر روی این قدرت نیت خودشان برای فرزندانشان حساب باز می‌کنند.

داستان مادری حضرت مریم (س)

اگر مادری که فرزند ندارد می‌تواند با تمنای از پروردگار که «اگر من مادر شدم این گل پسر یا دختر خانم را برای خودت» آیا امکان دارد فرزند خوبی به او عنایت شود؟

۲۷. «لوقف صبی فی بعض الغزوات ینادی علیه بمن یزید فی یوم صائف شدید الحر، فیصرت به امرأة و هو ینادی علیه، فعدت مسرعةً الیه و أخذته و ألصقته الی بطنها، ثم ألقت ظهرها علی البطحاء، و أجلسته علی بطنها تقیه الحر و تقول: ابنی ابنی، فبکی الناس و ترکوا ما هم فیه. فأقبل رسول الله صلی الله علیه و آله حتی وقف علیهم فأخبروه فقال: أعجبتم من رحمة هذه ابنها، إن الله أرحم بکم جمیعاً من هذه بانیها. فتفرق المسلمون و هم فرحون مستبشرون» (ریاض السالکین، ج ۲، ص ۱۷۲)

در قرآن کریم داستان مفصلی درباره نیت یک مادر و تاثیر آن در سرنوشت نوزادش بیان شده است. از جمله بانوانی که نامش به نیکی در قرآن یاد شده است حضرت مریم (س) است. او جزو چهار بانوی برگزیده جهان است. پیغمبر ص فرمود: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعٌ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ.»^{۲۸} چگونه مریم س به این مقام بالا رسید؟ باید داستان او در بین بانوان جهانی شود. رمز پرواز مریم قدیسه به عالی ترین مقامامت معنوی را باید از مادرش پرسید. «مادر حضرت مریم فرزند دار نمی شدند، زیر درختی نشسته بودند دید پرندگانی به جوجه های خودشان دانه می دهند. دلش شکست و خیلی متاثر شد. به درگاه خداوند متعال عرضه داشت «خدایا به من هم فرزندی بده!» همان جا نیت و نذر کرد اگر به من فرزند دهی او را در خدمت، خانه ی تو قرار می دهم. بعد از چندی به مادرش فرزندی را عنایت کرد. وقتی باردار شد نمی دانست فرزندش دختر است یا پسر؟ ولی طبیعتاً از خدا پسر تقاضا کرده بود چرا که رسم بود پسران را به خدمت خانه خدا می گماردند نه دختران را. ضمن اینکه در خواب هم به پدر حضرت مریم الهام شده بود که خدا به شما پسری خواهد داد که بیماران با دست او شفاء پیدا می کنند. [حضرت عیسی ع فرزند مریم س] به خاطر همین مادرش منتظر پسر دار شدن بود. برگشت به خدا عرضه داشت: «إِذْ قَالَتْ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ (به یاد آورید) هنگامی را که همسر «عمران» گفت «خداوندا! آنچه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم، که «محرّر» و



آزاد، برای خدمت خانه تو) باشد. از من بپذیر، که تو شنوا و دانایی! ^{۲۹} ببیند اثر یک نیت مادر در سرنوشت کودک چه می شود؟ کسی در آن زمان چنین نذری می کرد، فرزندش را می برد و خادم بیت المقدس می کرد. بعد مادر فرزندش را به خدا عرضه کرد با معرفت برگشت گفت خدایا این فرزند را از من بپذیر.

سخن درباره این بود که مادرانی که با نیت فرزند خودشان را به جلسه شیرخوارگان می آورند، تاثیری در سرنوشت کودکان دارند؟ طبق این ماجرای قرآنی بله. مادر حضرت مریم دید که دختر به دنیا آورده است گفت خدایا دختر را که نمی توان خادم کرد. حضرت زکریا از انبیاء عظام که نسبت خویشاوندی با مادر حضرت مریم داشت، سرپرستی مریم س را برعهده گرفت. چون که پدرش قبل از تولد مریم از دنیا رفت. حضرت زکریا مسجدی را جداگانه در بیت المقدس برای او معین کرد. مادر هم نام این دختر را مریم قرار داد. مریم یعنی دختری که عبادت کننده است.

مقام حضرت مریم س آنقدر بالا بود که فرشتگان الهی با او سخن می گفتند و به او گفتند تو انتخاب شده ای «وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران، ۴۲) ببیند این دختر به چه مقامات معنوی رسید خدا می داند سر آن نیت زیبایی که مادرش کرد زکریا هرگاه نزد او می آمد غذاهای می دید و می پرسید این غذاها چیست؟ مریم می گفت این غذاهای بهشتی است. «كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ

حساب» (آل عمران، ۳۷) ببینید خدا بی جهت داستان فرزند دار شدن حضرت مریم س را برای ما بیان نمی کند. می خواهد عظمت دل و نیت یک مادر را به ما نشان دهد. خدا برای دل یک مادر اینقدر ارزش قائل است. دل شکست، نذر قشنگی کرد خدا هم پذیرفت و فرزند دختری به او داد که سرآمد همه ی بانوان زمان خودش شد. نذر مادر در وضع روحی حضرت مریم س یقیناً تاثیر دارد. این ثمره لحظات نورانی و قشنگی است که در عبادت تجربه می کنند و برای فرزندانشان دعا می کنند. مادران ما باور کنند که نیت و دعای شان اینقدر قدرت دارد که سرنوشت فرزندان را رقم بزند و خداوند به این نیت های که از سر محبت و لحظات نورانی شکل بگیرد آنهم آثار قرار داده و یک قلمش را به ما نشان داده که ماجرای حضرت مریم باشد. چرا مادران ما چنین نیت های نمی کنند؟ این موضوع اختصاصی مادر حضرت مریم نیست. بلکه هر مادری در هر رتبه ای می تواند به میزان خودش در سرنوشت فرزندش با نیت اثرگذار باشد. این مادران شهدای ما شاهدان زنده ی هستند که به ما کمک می کنند باور کنیم مادر نیت و تمنای مادر اینقدر مهم و اثر بخش است. ۳۰

نقش مادران شهدا، در رسیدن شهداء به عالی ترین مقام معنوی

مادر شهید مسلم قربانی می گوید: «پسرم کلاس دوم بود که حفظ قرآن را شروع کرد. از وقتی به مدرسه رفت، نمازهایش را می خواند و از ۱۲ سالگی روزههایش را

۳۰. علیرضا پناهیان، تأثیر نیت مادر در سرنوشت معنوی فرزند.



می‌گرفت. گاهی از مدرسه که به خانه می‌آمد کفش و لباس نداشت. یکبار رفتم مدرسه و گفتم چرا بچه من اینطوری به خانه برمی‌گردد. وقتی آمد داخل دفتر مدرسه و من را دید رنگ صورتش پرید و گفت مامان تو که ابروی من را بردی. من خودم لباس‌هایم را به دیگران می‌بخشم. من هم گفتم خب به من می‌گفتی من وقتی می‌دیدم تو با دمپایی پلاستیکی به خانه می‌آیی ناراحت می‌شدم. یکسال مانده بود که دیپلمش را بگیرد که تصمیم گرفت به جبهه برود. اول رضایت نمی‌دادم برود. یک روز دیدم موقع نماز، صدای گریه‌اش بلند شده است و با سوز ذکر می‌خواند. دلم طاقت نیاورد و بعد از آن اجازه دادم که برود. همسنگری‌هاش نقل می‌کنند در آخرین لحظاتی که داشت شهید می‌شد رفتیم پیشش مرتب زیر لب یک جمله می‌گفت: «اللهم ارزقنی توفیق الشهاده فی سبیلک». خب چطور این پسر به این جا رسید مادرش نقل می‌کند. ۱۴ ساله بودم که در حرم امامزاده طاهر(ع) شاه عبدالعظیم از خدا خواستم بچه اولم پسر باشد و نیت کردم و گفتم خدایا به من یک پسر بده تا شهید شود قربانی حضرت علی اکبر(ع). حالا معرفت این مادر را ببینید، ۳۵ سال است که سالروز شهادت فرزندش برای او جشن تولد می‌گیرد و می‌گوید: «روز شهادت مسلم روز تولدی دوباره برای اوست که او را جاودانه کرد به همین خاطر برای برگزاری جشن میلادش ذوق و شوق زیادی دارد» ببینید پس می‌شود. فقط کافی است خدا بخواهیم و فرزندان را خود خواهانه برای خود نخواهیم.

یکی از کارهای که امروز ضرورت و اولویت دارد، این اولویت و ضرورت اولاد برای خود خانواده‌ها هست، موضوع فرزندآوری است. مادری که به نیت اطاعت از

ولی فقیه فرزند می آورد. این نیت در نورانیت و طهارت آن فرزند اثر فوق العاده دارد.

قتل جنین، خطای بزرگ

الان ما در جامعه خودمان مواجه هستیم با پدیده به نام قتل جنین، یکی از عواملی که موجب این گناه بزرگ می شود همین مسئله اقتصادی است. فرمود: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيراً؛ و فرزندانتان را از ترس فقر، نکشید! ما آنها و شما را روزی می دهیم مسلماً کشتن آنها گناه بزرگی است!»^{۳۱}

قربون خدا بشوم! با چه ادبیاتی حرف می زند؟ فرمود از چه می ترسی بنده من، فکر می کنی روزیت کم می شود، چرا نمی توانی به من اعتماد کنی؟ ما نه تنها روزی فرزندان شما را می دهیم، بلکه یادت رفته است روزی شما را هم می دهیم، مگر تا به امروز چه کسی به شما روزی داده است؟ فرمود من خدا روزی دهنده هستم هم برای فرزندان شما، هم برای خود شما. این خطای بزرگی است. چرا فرمود اینکار خطای بزرگ هست؟ یعنی شما داری اشتباه تصمیم می گیری؟ فکر می کنی فرزندآوری، اقتصاد تو را تهدید می کند، اتفاقاً فرزند آوری عامل افزایش رزق و روزی شما هم هست. امیرالمومنین فرمود: «كُلَّمَا كَثَرَ الْعِيَالُ كَثُرَ الرِّزْقُ، هر چه نان خورها بیشتر شوند، رزق و روزی بیشتری می رسد.»^{۳۲} یک بار خدا را تجربه کنیم. به وعده اهل بیت ع اعتماد کنیم. اگر تجربه های خودمان و اطرافیمان را در این باره بررسی کنیم به نتایج خوبی می رسیم. چقدر آدم هایی هستند که می گویند وقتی من بچه دارم شدم، چه اتفاقاتی در رزق و روزی من افتاد.

۳۱. الإسراء: ۳۱.

۳۲. شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۳۳۷.

به خاطر مسائل مالی، جنینت را نکش!



راوی می گوید؛ به حضرت هادی (ع) نوشتم: من پنج سال است که از بچه دار شدن خودداری کرده ام که هم سرم فرزند نمی خواهد و می گوید بواسطه نداری تامین روزی فرزند مشکل است، امام جواب نوشت: فرزنددار شو که خداوند روزیش دهد؛ عن بکر بن صالح: کَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي اجْتَنَبْتُ طَلَبَ الْوَلَدِ مُنْذُ خَمْسِ سِنِينَ، وَ ذَلِكَ أَنَّ أَهْلِي كَرِهَتْ ذَلِكَ وَ قَالَتْ إِنَّهُ يَشْتَدُّ عَلَيَّ تَرْبِيَّتُهُمْ؛ لِقَلَّةِ الشَّيْءِ، فَمَا تَرَى؟ فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَيَّ: اطْلُبِ الْوَلَدَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَرْزُقُهُمْ»^{۳۳}

البته بنده منکر نیستم که دولت های اسلامی، باید در مسائل اقتصادی به خانواده های پر جمعیت کمک کنند، اصلا در فرزندآوری کمک کنند حضرت فرمود: «شخصی که دارای سه دختر باشد تکلیف جهاد از دوش او برداشته می گردد. و او از پرداخت مالیات و عوارض معاف خواهد بود» ولی این دلیل نمی شود ما خانواده ها بی خیال فرزند شویم، این سوء ظن به خداست. این بدبینی به خداست. اگر امروز یک وقت اختصاصی به شما بدهند، بگویند با استاد موفق اقتصاد جلسه دارید و ایشان یکی از رازهای موفقیت در ثروتمند شدن را به شما می گوید، چقدر حاضر هستید به حرف او اعتماد کنید؟ خدا استاد کل اقتصاد هستی است، او به شما می گوید من در طراحی ام، عامل افزایش ثروت تو را در فرزندآوری قرار دادم و هر فرزند، یک ثروت جدید به خودش می آورد، چقدر حاضریم اعتماد کنیم به خدا؟

«سکونی می گوید: نزد امام صادق رفتم در حالی که ناراحت و افسرده بودم. حضرت فرمودند: چرا افسرده هستی؟ گفتم: خدا به من دختری داده. حضرت فرمودند:

يَا سَكُونِي عَلَى الْأَرْضِ ثِقْلَهَا وَعَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا تَعِيشُ فِي غَيْرِ
أَجَلِكَ - وَتَأْكُلُ مِنْ غَيْرِ رِزْقِكَ فَسَرَى وَاللَّهُ عَنِّي سَنَكِينِي
بچه روی زمین است و رزق بچه هم بر عهده خداست و
زندگانی او هم در غیر مسیر تو است و مانع تو نیست
و خداوند هم از روزی تو به او روزی نمی دهد و روزی جدا
دارد. امام با این بیانات غم مرا بر طرف کرد.»^{۳۴}

الان در کشور ما، فرهنگ وقف و خیرین مدرسه ساز،
چقدر محترم و جا افتاده است. این فرهنگ را جریان
بدهیم، به سمت فرزندآوری، حضرت فرمود: «پیامبر اکرم
صلی الله علیه و آله فرمود: ای مردم شخصی را که دارای
سه دختر است یاری و کمک کنید و به او قرض بدهید.
و او را مورد لطف و مرحمت خود قرار دهید. یا پیامبر در
مورد شخصی که دارای چهار دختر می باشد فرمود: ای
مردم- او را یاری نمایید. ای مردم- به او قرض دهید. ای
مردم- به او رحم و مهربانی کنید»^{۳۵}

مثلا هیئت ها و مساجد، خانواده ها یک صندوق
قرض الحسنه تشکیل دهند، ویژه خانواده های که
فرزندان دارند یا می خواهند فرزند بیاورند ولی توان
مالی ندارند. اقتصادی اسلامی، مردم محور است تا
دولت محور. مردم باید در اقتصاد خودشان نقش آفرین
باشند، به قول مقام معظم رهبری اتفاق، به هر پول
خرج کردنی نمی گویند، اتفاق زمانی اتفاق است که
خلای را در جامعه پر کند. الان خلا جامعه ما چیست؟
فرزندآوری. بسم الله... صندوق های تعاونی کجا هستند؟
در خانه ها، در محله ها، مساجد و هیئت ها.

برخی مادران، می روند فرزندان خودشان را سقط می
کنند، می گویند ما مشکل مالی نداریم بلکه دغدغه

۳۴. کافی، ج ۶، ص ۴۸.

۳۵. مستدرک الوسائل: ج ۱۵ ص ۱۱۵ و ثواب الأعمال ص ۲۴۰.



تربیت فرزند داریم شاید که نتوانیم از پس تربیت بیشتر از دو فرزند بر بیایم. مقام معظم رهبری به زیبایی این مشکل را حل می کنند ایشان می فرمایند: «بعضی ها می گویند که شما می گوئید فرزند زیاد [داشته باشید]، خب اگر [فرزندان] زیاد شدند در خانه، تربیتشان نمی توانیم بکنیم؛ این حرف غلط است. تربیت فرزند، تربیت تک تک فرزندان نیست، تربیت محیط خانواده است. محیط خانواده که خوب بود، چه بچه یکی باشد چه پنج تا باشد، فرقی نمی کند، خوب تربیت می شوند. به طور طبیعی، به طور غالب خوب تربیت می شوند»^{۳۶}

سلام خدا بر محسنی که سقط شد، سلام خدا بر شش ماهه که پشت در فدای ولایت شد. ما فاطمیه جمع می شویم، علیه قاتلان حضرت محسن (ع) گریه می کنیم، جنین که به شهادت رسید.



جلسه چهارم: «مادر انقلاب»

فضیلتی بالاتر از این نیست

امام خمینی ره، فضیلتی برای حضرت زهرا س از زبان امام صادق ع بیان می کنند که به نظر ایشان فضیلتی بالاتر از این برای حضرت زهرا س وجود ندارد، حتی همه انبیا هم به چنین فضیلتی دست نیافتند، آن فضیلت چیست؟ امام می فرماید که جبرئیل امین پس از پیامبر به محضر فاطمه س می آمد و خبر از آینده بشریت به فاطمه س می داد. بعد می فرماید: «مسئله آمدن جبرئیل برای کسی یک مسئله ساده نیست. خیال نشود که جبرئیل برای هر کسی می آید و امکان دارد بیاید، این یک تناسب لازم است بین روح آن کسی که جبرئیل می خواهد بیاید و مقام جبرئیل که روح اعظم است، این تناسب بین جبرئیل که روح اعظم است و



انبیای درجه اول بوده است مثل رسول خدا و موسی و عیسی و ابراهیم و امثال اینها، بین همه کس نبوده است، بعد از این هم بین کسی دیگر نشده است. حتی درباره ائمه هم من ندیده‌ام که وارد شده باشد این‌طور که جبرئیل بر آنها نازل شده باشد، فقط این است که برای حضرت زهرا - سلام الله علیها - ست که آنکه من دیده‌ام که جبرئیل به‌طور مکرر در این ۷۵ روز وارد می‌شده و مسائل آتی‌های که بر ذریه او می‌گذشته است، آن مسائل را می‌گفته است و حضرت امیر هم ثبت می‌کرده است. و شاید یکی از مسائلی که گفته است، راجع به مسائلی است که در عهد ذریه بلند پایه او حضرت صاحب - سلام الله علیه - است، برای او ذکر کرده است که مسائل ایران جزو آن مسائل باشد»^{۳۷}

دغدغه‌های فاطمی نسبت به آینده

امام ره می‌فرماید این روایت معتبر هست و در کتاب معتبر کافی هم ذکر شده است.^{۳۸} چند مسئله مهم در این روایت و رویتگری امام ره وجود دارد. مسئله اول این هست که چرا جبرئیل برای حضرت زهرا س از آینده سخن می‌گویند؟ چه دغدغه‌ای حضرت زهرا س نسبت به آینده داشته‌اند که با اطلاع از آن به آرامش می‌رسیدند؟ توجه خاص حضرت زهرا س به آینده برای ما خیلی جالب و جذاب هست. چه کسانی به آینده فکر می‌کنند؟ روح با عظمت زهرای مرضیه س می‌خواهد ترسیم از آینده داشته باشد و جبرائیل ماموریت پیدا می‌کند بیان کند؟ چقدر مهم و ضروری هست ما نگاه راهبردی به آینده داشته باشیم، درست آینده را پیش بینی کنیم. امام و

۳۷. صحیفه امام خمینی ره، ج ۲۰، ص ۵

۳۸. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۵۷، ح ۱.

مقام معظم رهبری بارها از آینده خبر دادند برخی با تردید نگاه کردند اما محقق شد. مشهورترین آنها همین فروپاشی شوروی هست. رهبری هم خبر از افول آمریکا دادند اما خیلی ها با تردید نگاه می کنند. چون خبر از قواعد هستی و واقعیت های بیرونی و میدانی ندارند. ما مثل فاطمه اطهر س باید نسبت به وضعیت آینده حساس باشیم. فرمود عاقل ترین مردم کسی که به دورترها می نکرد. آیت الله بهجت از برخی علما تقدیر می کرد می گفت این ها خوب آینده را می دیدند. فقط عالم به زمان باشی کافی نیست باید دنبال عالمانی باشیم که آینده را هم خوب تشخیص می دهند.

کتاب راهبردی فاطمه س که امیرالمومنین نویسنده آن بود

مسئله بعدی این است که امیرالمومنین همان طور که نویسنده آیات الهی هست و وقتی آیات بر پیغمبر نازل می شد حضرت رسول برای امیرالمومنین آیات را تلاوت می کردند و حضرت نکارش می کردند اینجا هم باز امیرالمومنین نویسنده هستند. با وجود حضرت امیر، خبر از آینده بر فاطمه س می رسد و امیرالمومنین می نویسند و الان هم این کتاب که مشهور به صحیفه فاطمی هست همین الان دست بقیه الله الاعظم هست. و امام ره در وصیت نامه سیاسی الهی خودشان وقتی افتخارات مکتب اسلام و شیعه را بر می شمرد می فرمایند: «صحیفه فاطمیه که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است از ما است».^{۳۹}

امام صادق ع این کتاب حجمی سه برابر قرآن دارد و یک حرف از قرآن هم در آن نیست: «إِنَّ عِنْدَنَا لَمُصْحَفَ فَاطِمَةَ عَ وَ مَا يُدْرِيهُمْ مَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ عَ قَالَ قُلْتُ وَ

۳۹. وصیت نامه الهی سیاسی امام.



مَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ عَ قَالَ مُصْحَفٌ فِيهِ مِثْلُ قُرْآنِكُمْ هَذَا
ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَاللَّهِ مَا فِيهِ مِنْ قُرْآنِكُمْ حَرْفٌ وَاحِدٌ.^{۴۰}

شاید اخبار ایران به گوش حضرت زهرا رسیده باشد

مسئله بعدی این هست که امام ره با آن تیزیابی و فراست و فقهات خودش می فرماید: «شاید اخبار ایران به گوش حضرت زهرا رسیده باشد.» من می خواهم کمی روی این جمله امام تمرکز و تامل کنیم. امام یک جمله فرمود و رد شد ولی عاقل اشاره گیر هست. توقف می کند تامل می کند. امام بر چه اساسی این سخن را فرمودند؟

از امام باقر ع پرسیدند محتوای این مصحف فاطمی چیست؟ حضرت فرمود: «اسامی تمام مؤمنان و کافران از آغاز تا پایان آفرینش، نامهای شهرها و ویژگیهای هر شهری، چه در شرق و چه در غرب جهان، تعداد مؤمنان هر شهر و آمار کافران آن»^{۴۱} بعد در روایت دیگری راوی می گوید: «محضر امام صادق ع رسیدم حضرت فرمود ای فضیل، می دانی اندکی پیش من در چه مطالعه می کردم؟ گوید: گفتم: نه، فرمود: در مصحف فاطمه (ع)، کسی نیست که روی زمین به حکومت می رسد جز اینکه به نام خود و پدرش در آن نوشته شده است دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ يَا فَضِيلُ أَتَدْرِي فِي أَيِّ شَيْءٍ كُنْتُ أَنْظُرُ قُبَيْلُ قَالَ قُلْتُ لَا قَالَ كُنْتُ أَنْظُرُ فِي كِتَابِ فَاطِمَةَ عَ لَيْسَ مِنْ مَلِكٍ يَمْلِكُ الْأَرْضَ إِلَّا وَهُوَ مَكْتُوبٌ فِيهِ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ»^{۴۲}

اگر حضرت علم به حکومت ها و حاکمان آن داشته اند، چه اشکالی دارد علم به حکومت اسلامی ما هم

۴۰. کافی، ج ۱، ص ۲۳۸.

۴۱. دلائل الامامة، ص ۲۸

۴۲. کافی، ج ۱، ص ۲۴۲.

داشته باشند؟ چرا برخی ها اینقدر تنگ نظر هستند، نمی خواهند اصلاً ارتباطی بین حضرت زهرا س و انقلاب را ببینند، سریع انکار می کنند، برخی روزنامه ها در کشور رسماً تیتیر زدند و اعتراض کردند چرا شما انقلاب اسلامی را به فاطمه اطهر س گره می زنید؟ تیتیر درشت زده اند: «آیا امام خمینی درباره پیشگویی جبرئیل از انقلاب ایران سخن گفته بود؟»^{۴۳} اینها اسناد بالا دستی ما در روایات هست که رسماً می گویند حضرت زهرا س از جزئیات حکومت ها و حاکمیت ها اطلاع دارند، از جمله انقلاب اسلامی چرا شما می خواهید منکر شوید؟ این تازه کف ماجرا هست.

روایتگری سردار سلیمانی از حضور حضرت زهرا در میدان مبارزه

تجربه های فرماندهان جنگ نه تنها این حرف امام را تایید می کند، بلکه فراتر از پیشگویی، بارها شنیدیم چطور حضرت زهرا در علمیات های مختلف دفاع مقدس به مدد بچه ها می آمدند و گره گشایی می کردند. سردار سلیمانی با چه اشک و آه و ایمانی می فرماید: «هرموقع در جنگ فشارها بر ما حادث می شد و هیچ کاری از دستمان بر نمی آمد، پناهگاهی جز حضرت زهرا (س) نداشتیم، گفته است: در عملیات «والفجر ۸» وقتی چشممان به آب های پرطوفان، خشمگین و ترسناک «اروند» افتاد، آن جا هیچ نامی آشناتر از نام حضرت زهرا (س) نداشتیم؛ بنابراین در کنار «اروند» ایشان را در تلاؤ اشک های غریبانه و مظلومانه بسیجی ها صدا زدیم و اروند را با «یازهرا (س)» کنترل و از آن عبور کردیم.. وقتی دشمن آتش مسلسل ها، خمپاره ها و توپ های خود را مستانه را بر ساحل باز کرد و جوی هایی از خون

۴۳. خبر آنلاین، خبر شماره ۱۴۴۳۲۳۲



به «اروند» روانه شد، آن وقت هم همه تدابیر از کار افتاده بود و نامی جز نام حضرت زهرا (س) بر زبان‌ها جاری نمی‌شد. وقتی هم که عراقی‌ها در کنار اروند ایستاده بودند و رزمندگان را با تیر می‌زدند، آن زمان هم سلاح کارگر ما حضرت زهرا (س) بود. «بعد می‌فرماید: من قدرت و محبت مادری حضرت زهرا (س) را در هور، غرب کانال ماهی و وسط میدان مین دیدم؛ وقتی شما مادرها نبودید و فرزندان‌تان در خون دستوپا می‌زدند، من حضرت زهرا (س) را دیدم.»^{۴۴}

چرا باید حضرت زهرا س پیگیر ماجراهای انقلاب اسلامی باشد؟

راستی چه رابطه بین حضرت زهرا س و انقلاب اسلامی وجود دارد؟ چرا باید حضرت زهرا س پیگیر ماجراهای انقلاب اسلامی باشد؟ چرا باید کمک کند؟ جواب خیلی ساده و روشن هست؛ چون این بانو شان مادری دارد و آیا مادری کار جز کمک رسانی دارد؟ مادر دلسوز بچه هایش هست. دلش برای بچه‌ها می‌تپد. شما از ارادت بچه‌های جنگ به حضرت زهرا س می‌فهمید چقدر حضرت زهرا س بچه‌های جنگ را دوست داشت.

شخصی آمد پیش امام رضا ع گفت آقا می‌خواهم بدانم چقدر من را دوست داری؟ حضرت فرمود خودت چقدر من دوست داری؟ گفت آقا خیلی زیاد حضرت فرمود به همان اندازه که تو من را دوست داری منم تو را دوست دارم. «إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ مَا لَكَ عِنْدِي فَأَنْظُرْ إِلَى مَا لِي عِنْدَكَ»^{۴۵}

طبق این قاعده امام رضا (ع)، ما شدت محبت بچه‌های جنگ به حضرت زهرا (س) می‌فهمیم چقدر

۴۴. خبرگزاری دفاع مقدس، خبر شماره ۳۸۱۷۰۴

۴۵. کافی، ج ۲، ص ۶۵۲.

حضرت زهرا (س) بچه های جنگ را دوست داشت و حقیقتاً مادری کرده است.

چرا باید حضرت زهرا (س) به ما عنایت و علاقه داشته باشند؟ چون مادر هستند، محبت مادری می کشد او را به پی جویی از ایرانی ها.

مادر انقلاب اسلامی حضرت زهرا س است

اصلاً این انقلاب، انقلاب مادر هست و حضرت زهرا س مادر انقلاب هستند و اگر نگاه مادرانه حضرت زهرا س نبود، این انقلاب شکل نمیگرفت. برخی حسودان و تنگ نظران، نمی توانند این حقیقت را ببینند که این انقلاب بی نام مادر اصلاً محقق نمی شد. هر کسی به انقلاب اهانت کند، اولین نفری که ناراحت می شوند، حضرت زهرا س هستند. می دانید چرا؟ چون انقلاب، نتیجه مجاهدت های مادر و خون دل های او هست.

دست مادر را در انقلاب می شود احساس کرد. نه تنها در عرصه امنیتی، حضرت زهرا س برای ما مادری کرده اند و هر جا گره ای به کار انقلاب بخورد، مادر گره گشایی کرده اند. بلکه مدیریت انقلاب اسلامی به دست حضرت زهرا س است. این انقلاب، انقلاب مادر هست. این مادر هست که در دل ها انقلاب ایجاد کرده است. چطور می توان این معادله را توضیح داد. شاید برای برخی سخت باور باشد اما آنهایی که در وسط میدان مبارزه هستند، مثل سردار سلیمانی، حضور مادر را حس کرده اند بدون مبالغه محبت مادر و قدرت مادر را چشیده اند. وگرنه این انقلاب صدمبار باید در هاضمه استکبار هضم می شد تمام می شد می رفت.

شما حجم دشمنی ها را نسبت به انقلاب اسلامی بسنجید، مقام معظم رهبری می فرماید با هیچ نظامی اینقدر دشمنی نکرده اند نصف این دشمنی ها کافی



بود تا یک نظام ساقط شود اما چرا این نظام با این حجم دشمنی هنوز روی پا ایستاده؟ این وضعیت طبیعی نیست. معلوم هست که دستی پشت پرده هست. دست مادری مهربان روی سر ما هست.

نقش مادر در انگیزه بخشی و خودباوری

مادر چه نقشی برای ما می تواند ایفا کند؟ اصلاً مادر مهم ترین نقشی که می تواند ایفا کند، انگیزه بخشی و خودباوری هست.

ادیسون کودنی که با معجزه مادرش نابغه شد

مخترع برق چه کسی هست؟ ادیسون. زمانی که ادیسون به مدرسه می رفت، معلم نامه ای به ادیسون داد که به مادرش بدهد و گفت این نامه را فقط مادرت بخواند. ادیسون نامه را به مادرش داد و گفت این نامه را معلم به من داده. مادر ادیسون نامه را خواند. در نامه نوشته شده بود:

«با کمال تأسف باید بگویم فرزندان کودن است و هیچگونه استعدادی برای ادامه تحصیل و درس خواندن ندارد. مدرسه ما نیز جای افراد ابله و کودن نیست و از فردا او را به مدرسه راه نمی دهیم.»

ولی مادر ادیسون کار عجیبی کرد و نامه را جور دیگری برای فرزندش خواند. او نامه را این گونه خواند:

«فرزند شما نابغه و باهوش است و مدرسه ما توان آموزش به فرزندان را به خاطر داشتن هوش بالا ندارد. شما باید شخصاً خودتان به او آموزش دهید»

این طور شد که مادر ادیسون شروع به درس دادن به فرزندش در منزل کرد. ادیسون در سن ۱۳ سالگی اولین اختراع خود را ثبت کرد. مدتی پس از فوت مادرش، ادیسون صندوقچه مادرش را باز کرد و خواست آن نامه

را برای همه بخواند تا به همه ثابت کند از کودکی نابغه بوده و معلمش اولین کسی بوده که این مسئله را فهمیده، ولی با دیدن اصل نامه شروع به گریه کرد و تازه فهمید که نامه معلمش چیز دیگری بوده است !!! ادیسون تازه فهمید که چطور مادرش از یک ادیسون کودن، یک ادیسون نابغه ساخت! ادیسون بعدها در خاطراتش نوشت: توماس ادیسون، فرد کودنی که توسط یک مادر قهرمان، به نابغه قرن تبدیل شد!

نقش مادر در شکوفایی استعداد ما می توانیم فرزندان

ببینید یک مادر چقدر می تواند در اینکه یک بچه، استعدادهایش شکوفا شود موثر باشد؟ حالا اگر مادری مثل فاطمه اطهر سلام الله علیها بخواهد برای امت مهدی اش مادری کند، چقدر می تواند گره گشایی کند؟ نقش مادر انقلاب این هست که به فرزندان القا کند ما می توانیم. این نقش محوری حضرت زهرا س در انقلاب ما نباید فراموش نشود، قدرت بخشی و محبت، از محبت مادر زیاد شنیده ایم، اما از قدرت مادر کمتر سخن گفتیم و از قدرت بخشی مادر. یک مادر می تواند فرزندانی قوی تربیت کند می تواند فرزندانی ضعیف تربیت کند.

مادران محترم، بچه ها را تحقیر نکنند. مادری که بچه اش را تحقیر کرد در واقع ما می توانیم را از او می گیرد. تا وضعی در بچه ات دیدی بگو عیبی نداره تازه ما فهمیدیم تو این نقطه ضعف را داری حالا بیا من به تو کمک می کنم این نقطه ضعف برطرف شود. تا وضعی دیدی دیگر آتیش نتز به نقاط قوتش و بگو تو از دم آدم نمی شوی. تو که بدرد نمی خوری. تحقیر کردن یعنی اصلی ترین سرمایه شخصیتی فرزند را نفت ریختی آتش زدی. یک حرف بی راه بزنم ای کاش بنزین می



ریختی بچه ات را آتیش می زدی اما بنزین تحقیر نمی ریختی روی بچه ات شخصیتش را آتش بزنی. می خواهم بگویم چقدر تحقیر کردن بچه در سوزاندن شخصیت او بدتر از آتش زدن بچه هاست. تحقیر قاتل خاموش حس ما می توانیم در فرزندان هست.

بچه ای که زیاد تحقیر شد کم کم در او بدترین بدی سر می زند یعنی تکبر. امام صادق ع فرمود: «مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لِلَّهِ وَجَدَهَا فِي نَفْسِهِ؛ هیچ مردی تکبر نمی ورزد یا زورگویی نمی کند مگر به خاطر احساس تحقیر و خاری که در وجودش احساس می کند».^{۴۶} این آقا پسر یا دختر خانم وقتی رفت منزل خودش، در ارتباط با همسرش می خواهد اثبات کند که بزرگ هست اما به شیوه غلط با زورگویی با تکبر.

از سرزنش ها نترسید!

برای اینکه مادر، بتواند فرزندان مستقلاً را تربیت کند، خودش اول باید مستقل باشد، تحت تاثیر هیچ چیزی نباشد. از سرزنش ها نترسد، گاهی ترس از سرزنش آدم را عاقبت به شر میکند، زیر به خاطر ترس از سرزنش مقابل امیرالمومنین ایستاد.

قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی [دیگر] را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند. [اینان] با مؤمنان، فروتن، [و] بر کافران

سرفرازند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند. این فضل خداست. آن را به هر که بخواهد می‌دهد، و خدا گشایشگر دانا است.»^{۴۷}

امیرالمؤمنین علی(ع) خود را از قومی معرفی می‌کنند که اهل ترسیدن از سرزنش سرزنش‌کنندگان نیستند و صفات برجسته‌ای را در وصف این افراد ذکر می‌کنند: «إِنِّي لَمِنْ قَوْمٍ لَا تَأْخُذُهُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، سِيماهُمْ سِيما الصَّادِقِينَ، وَ كَلَامُهُمْ كَلَامُ الْأَبْرارِ..... لَا يَسْتَكْبِرُونَ، وَ لَا يَغْلُونَ، وَ لَا يَغْلُونَ، وَ لَا يُفْسِدُونَ.»^{۴۸}

ترس از سرزنش، عامل قتل جنین

الان واقعا یکی از منکرات زشت در جامعه ما قتل جنین است. طبق آمار رسمی وزارت بهداشت در سال ۹۶، هر روز ۱۰۰۰ جنین در کشور توسط والدین کشته می‌شود که تنها حدود ۱۰ مورد آن قانونی است! با توجه به آمار ۱۸ هزار فوتی تصادفات سالانه، ۲۰ برابر بیشتر از فوتی‌های ناشی از سوانح رانندگی، سقط جنین داریم!^{۴۹}

حالا یکی از انگیزه‌های اینکار برای مادرها و پدرها، چیست؟ ترس از سرزنش. ترس از حرف مردم، ترس از اینکه من اگر فرزند دوم یا سوم بیاورم مردم چه می‌گویند؟ باورتان می‌شود یک مادر و پدری به خاطر ترس از سرزنش حاضر باشد، پاره تن خودش را بکشد. بعد یک عمر خودش را سرزنش می‌کند که چرا اینکار را انجام داد؟ ما در چه فرهنگ مسمومی زندگی می‌کنیم، فرزندی که مایه سربلندی پدر و مادر هست، تبدیل شده است به مایه شرمساری و سرافکندی پدر و مادر، مستقل باشیم، خودمان باشیم. فرمود: «هیچ یک از شما نباید فرزند

۴۷. مائده، آیه ۵۴.

۴۸. میزان الحکمه/حدیث/۱۰۳۶۵.

۴۹. خبرگزاری تسنیم، خبر شماره ۲۳۱۰۴۰۹.



خواهی را ترک کند؛ چرا که وقتی انسان بمیرد و فرزندی نداشته باشد، نامش از میان می‌رود؛ لَا يَدْعُ أَحَدُكُمْ طَلَبَ الْوَلَدِ؛ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ انْقَطَعَ اسْمُهُ»^{۵۰}

چقدر انبیاء را سرزنش کردند، چقدر دوستان خدا را مسخره کردند، اما آنها خم به ابرو نیاوردند، کار درست را انجام دادند، فرمود: «يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ؛ ای حسرت بر بندگان که هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه او را مسخره کردند»^{۵۱} عملیات تمسخر و سرزنش کردند، عملیات روانی هست که همیشه علیه کار درست، اقدام درست انجام شده است. آدم‌های که مقاومت روحی دارند، خودشان تصمیم می‌گیرند، اسیر سرزنش‌ها و تمسخره‌ها نیستند. ما باید نهضت‌رهایی از سرزنش‌ها در جامعه خودمان در جمع خودمان راه بیندازیم، وگرنه به جامعه مهدوی نخواهیم رسید. چون که جامعه مهدوی، یاران مهدی که مقدمه‌ساز جامعه مهدوی هستند، از سرزنش سرزنش‌کنندگان نمی‌ترسند.

چقدر حضرت زهرا (س)، را سرزنش کردند، اما حضرت مقاومت کردند و نگذاشتند این سرزنش‌ها اثر بکند، وقتی کاری از دستشان بر نیامد کمر به قتل فاطمه اطهر (س) بستند.

۵۰. المعجم الكبير: ج ۲۳ ص ۲۱۰ ح ۳۶۹.

۵۱. یس، ۳۰.



مجلس پنجم: نقش پنهان مادر»

هر کسی در این دنیا نقشی دارد

حضرت زهرا سلام الله علیها در بخشی از دعای خود خطاب به خداوند عرضه می‌دارند «اللَّهُمَّ فَرِّغْنِي لِمَا خَلَقْتَنِي لَهُ؛ خدایا به من فرصت بده تا به آنچه که تو من را به خاطر آن خلق کردی بپردازم» «وَلَا تَشْغَلْنِي بِمَا تَكَفَّلْتَ لِي بِهِ؛ و من را به اموری که تو خود برای من عهده‌دار آنها شده‌ای، مشغول نکن»^{۵۲}

اگر چند نفری قرار بگذارید که با هم به اردویی، مثلاً به کوه، بروید، با هم تقسیم کار می‌کنید. قرار می‌گذارید یکی گاز پیک‌نیک بی‌آورد، یکی مواد غذایی را تهیه کند و مثلاً بنا می‌شود شما زیرانداز ببرید.

۵۲. بحار الانوار، جلد ۹۲، صفحه ۴۰۶.



بعد یک دفعه‌ای شما یادتان برود که چه چیزی بنا بود ببرید. با خود می‌گویید مثل اینکه بنا بود من پیک‌نیک ببرم، یا نکند باید مواد غذایی ببرم؟ بعد پیش خودت می‌گویی حالا احتیاطاً هم پیک‌نیک می‌برم و هم مواد غذایی. در حالیکه وظیفه شما این بود که زیرانداز ببری، ولی آن چیزی که وظایف‌ها نبود را می‌بری. بعد می‌بینی که اینها را دیگران آورده‌اند. همه با تعجب به تو نگاه می‌کنند و می‌گویند چرا زیرانداز نیاوردی؟! آنجا متوجه می‌شوی که آن چیزی که نقش و وظیفه تو بود را انجام ندادی.

روز قیامت بعضی‌ها همین طور می‌شوند. خداوند آنها را برای کار دیگری خلق کرده بود و یک چیز دیگری از آنها خواسته بود، اما متوجه می‌شوند که آنها به بیراهه رفته بودند. در دنیا کار دیگران را انجام دادند، نه کار خودشان را! آلودگی‌های روحی انسان، انسان را وادار می‌کند به اینکه غیر از نقشی که برایش مشخص شده است را انجام بدهد. قبل از پرداختن به این موضوع و اینکه چه می‌شود که آدم به بیراهه می‌رود و اینکه چه کنیم تا نقش خود را پیدا کنیم، باید به یک مقدمه بپردازیم:

از این فراز دعا که حضرت می‌فرمایند: «خدایا مرا فرصت بده تا به آنچه تو من را به خاطر آن خلق کردی، بپردازم» و از مجموع دلایل دیگر، به دست می‌آید که هر کسی در این دنیا یک نقشی دارد. نقش‌های این دنیا تقسیم شده است و کسی نمی‌تواند نقش دیگری را بگیرد.

انواع نقش‌ها

مثلاً نقش بعضی از علماء در دنیا این است که مرجع تقلید شوند، در حالی که بعضی دیگر از علماء برایشان مقدر شده در غربت به صورت ناشناس به ترویج اسلام بپردازند و چه بسا مقام هر دو گروه، نزد خداوند یکسان باشد.

یا مثلاً برای یک پدری، یا برای یک مادری، خدا این نقش را در نظر گرفته که «بین، تو خودت هیچی نمی‌شوی، بنا است بچه‌ات یک چیزی بشود. تمام زحمات تو به این جا می‌رسد که بچه‌ات به یک جایی برسد. مثلاً «شاید» مقام پدر شهید مطهری از خود ایشان بالاتر باشد. «شاید» پدر شهید مطهری نقش خودش را خیلی بهتر ایفا کرده باشد، در حالی که معمولاً کسی او را نمی‌شناسد.

پدر ایشان کتاب ننوشتند، عیبی ندارد. نقش شهید مطهری این بوده که کتاب بنویسند، در حالی که شاید نقش پدرشان این نبوده که کتاب بنویسند.

پدر مقام معظم رهبری نقششان این بوده که یک چنین پسری تربیت کند. مرحوم قاضی، نقششان این بوده که شاگردهای خوبی تربیت کند، که علامه طباطبایی یکی از شاگردهای ایشان بودند. خدا برای آدم ها نقش‌های متفاوتی قرار می‌دهد.

در کار گلاب و گل، حکم ازلی این بود

آن شاهد بازاری، وین پرده‌نشین باشد

گل را نمایش می‌دهند و همیشه در معرض دید است، اما گلاب را در شیشه می‌ریزند و در پستو می‌گذارند و گاهی که می‌خواهند استفاده کنند دم دست می‌آورند و دوباره در پستو می‌گذارند. بالاخره نقش‌ها را خدا تقسیم کرده. خدا برای هر کسی یک نقشی انتخاب کرده است. یکی باید غریب بماند و ناشناخته خدمت کند؛ دیگری باید به شهرت برسد و خدمت کند. مهم این است که هر کس نقش خودش را «بپذیرد».

ضرورت شناخت نقش خود

اگر ما این اصل را نپذیریم که «خداوند برای هر کدام از ما نقشی قائل شده است»، همیشه



در حال سرگردانی بین شکست‌ها و پیروزی‌های خیالی به سر خواهیم برد. همیشه بین رقابت‌ها و حسادت‌ها و عداوت‌ها سرگردان خواهیم بود. همیشه باید حسرت و غصه گذشته را داشته باشیم و آرزوهای الکی و بی‌ارزش برای آینده، سرگردانمان کند. نقش‌ها را از قبل به آدم‌ها داده‌اند. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در آغاز خطبه شریف همام می‌فرمایند: «خَلَقَ الْخَلْقَ حِينَ خَلَقَهُمْ، غَنِيًّا عَنْ طَاعَتِهِمْ... فَقَسَمَ بَيْنَهُمْ مَعَاشَهُمْ وَ وَضَعَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا مَوَاضِعَهُمْ» «خداوند روزی هر کسی را در دنیا مقدر فرمود، و جای هر کسی را هم در دنیا معین کرده.^{۵۳}

البته گاهی ما در نقشی که برایمان ایجاد شده، تغییر ایجاد می‌کنیم. ما هم می‌توانیم در نقش خود بهبود ایجاد کنیم و هم می‌توانیم کاری کنیم که نقش ما را از ما بگیرند و نقش پایین‌تری به ما بدهند.

روز قیامت اگر معلوم شود که آدم نقش خودش را ایفا نکرده است، خیلی حسرت می‌خورد. روز قیامت، روز حسرت است.^{۵۴} در روز قیامت خدا می‌فرماید: می‌دانی تو را برای چه ساخته بودم؟ می‌دانی عمرت را برای چه چیزی هرز دادی؟! شما در دنیا خودت را کشتی که به مقام برسی، در حالی که من تو را ساخته بودم که به مال برسی؛ تو می‌خواستی با «مقام» خدمت کنی، در حالی که نقش تو این بود که با «مال» خدمت کنی. بعضی وقت‌ها خدا به یک مردی این نقش را می‌دهد که به بچه‌هایش خدمت کند، گاهی نقش یک مرد این می‌شود که خانمش را راضی نگه دارد؛ باید زحمت بکشد برای رضایت خانمش. گرچه ممکن

۵۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳، مشهور به «خطبه همام» و «خطبه متقین».

۵۴. مریم، ۳۹.

است دلش بخواهد خیلی کارهای مهم دیگری انجام بدهد و استعدادش را هم داشته باشد، اما خدا از او آن کارها را نمی‌خواهد، خدا به او می‌گوید: «نقشی که برای تو در نظر گرفته‌ام، همین است، همین یک کار را درست انجام بده. نقش تو این است، کارهای دیگر را نمی‌خواهد انجام بدهی.»

از آن طرف هم گاهی خدا به یک مادری این نقش را می‌دهد که «تو بچه‌هایت را تربیت کن»، گرچه ممکن است آن مادر دلش بخواهد و استعدادش را هم داشته باشد که در فلان زمینه به فلان جا برسد. خیلی اوقات خانم‌ها حاضر نیستند نقش خودشان را بپذیرند. مثلاً نقشی که خدا برای او تعیین کرده، تربیت بچه است، اما به بهانه‌های مختلف نقش خودش را نمی‌پذیرد، می‌گوید: «نه، اینجوری من استثمار می‌شوم!»

این بحث مال همه است، زن و مرد ندارد. و هر کسی برود در دایره هوس، از نقش خودش خارج می‌شود و نقش خودش را گم می‌کند. نقش خودش را پیدا نمی‌کند. گاهی هم خدا به یک مادری بچه نمی‌دهد، چون نقش او در این دنیا بچه‌داری نیست، چیز دیگری است. گاهی خدا به یک همسری، این نقش را می‌دهد که به همسر خودش خدمت کند. انسان باید در این دنیا، نقش خودش را «بپذیرد». ان شاء الله خدا به ما توفیق بدهد که نقش خودمان را در ارتباط با همدیگر درک کنیم و آن نقش را ایفا کنیم.

شناخت نقش، مبنای عمل ما در دنیا

خدا از هر کسی یک نقشی می‌خواهد. خیلی مهم است که ما طبق نقش‌مان عمل کنیم. همه دنیا می‌گویند: «براساس استعداد خودت عمل کن»؛ اما زهرای اطهر - سلام‌الله‌علیها - در این دعا به ما



می‌فرمایند: «طبق نقشی که خداوند برایت معین کرده است، عمل کن. طبق نقشه‌ای که خدا برایت کشیده است، عمل کن.»

حتی ممکن است که نقش تو، با استعدادهای تو مطابق و سازگار نباشد، که استعداد آن را باید از خداوند طلب کنی؛ و البته خدا هم به تو خواهد داد.

مثلاً در مورد علامه طباطبایی نقل شده است که اوایل طلبگی، درس‌های حوزه را خوب متوجه نمی‌شدند، توسل کردند خداوند به ایشان عنایت فرمود. اگر قرار بود طبق استعداد عمل کنند و می‌گفتند که طلبگی مطابق استعداد ما نیست، به این مقام نمی‌رسیدند. اما صبر کردند و خداوند استعدادش را به ایشان عنایت فرمود.

چگونه نقش خودمان را پیدا کنیم؟

ما نمی‌دانیم خداوند چه نقشی را برای ما مقدر کرده است. ما در یک فضای پر از ابهام و آزمایش، باید به سمت نقشی که خدا برای ما انتخاب کرده است، خدا گام برداریم؛ بدون اینکه به طور واضح معلوم شود که آیا به نقش خود می‌پردازیم یا نه، و همیشه این نگرانی باید در انسان وجود داشته باشد که «آیا من به نقش خودم می‌پردازم یا نه؟». اما راههایی وجود دارد که در شناخت این نقش به ما کمک می‌کند.

۱. پرهیز از هوای نفس:

آیا خدا برای من این نقش را انتخاب کرده که خانه‌داری کنم، مدیریت کنم، تدریس کنم؟... خدا برای من چه نقشی را انتخاب کرده؟ مهم‌ترین رمز برای اینکه انسان نقش خود را پیدا کند، خالی بودن دل از هوای نفس است. هر موقع هوای نفس در زندگی انسان وارد شود و انسان را تحت تاثیر قرار دهد، انسان از نقش خودش فاصله می‌گیرد و از نقشه‌ای که خداوند برایش

کشیده است خارج می‌شود. چرا که هوی و هوس و وسوسه‌های شیطانی همیشه مخالف نقشی است که خدا برای ما انتخاب کرده است.

اکثر اوقات، تردیدها بخاطر هوای نفس است. اگر هوای نفس کنار گذاشته شود، راه کاملاً روشن است. اما هر گاه به زبان این و آن نگاه کردی، هر جا به تشویق مردم، و به نگاه مردم توجه کردی، هر گاه دیگران تو را مسخره کردند، دلت لرزید، هر جا طمع کردی، حسرت خوردی، حسادت ورزیدی، همه اینها نشانه‌های هوای نفس است که تو را از نقش خود باز می‌دارد. کسی چه می‌داند که چه خدا چه نقشی را برای او معین کرده است؟ آنقدر انسان باید دلش را از هوای نفس خالی کند؛ تا کم‌کم نقش تعیین شده از سوی خدا خودش را به او نشان بدهد.

۲. اخلاص در عمل:

اینکه آدم بتواند بفهمد خداوند چه نقشی برایش معین کرده است، خیلی سخت است اما می‌توان به گونه‌ای زندگی کرد که اطمینان داشت همان نقشی را که خداوند در نظر گرفته است را، خواسته یا ناخواسته، دانسته یا ندانسته، طبق نقشه الهی اجرا کرده‌ای. برای این کار، باید آن روایت حضرت زهرا - سلام‌الله‌علیها - را شنید و اجرا کرد که فرمودند: «مَنْ أَصْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ»^{۵۵} طبق این روایت، اگر اخلاص داشته باشی، خداوند بهترین مصلحت‌ها را برای تو فراهم می‌کند.

اخلاص که داشتنی خداوند عملاً تو را در زندگی هدایت می‌کند. اصلاً نمی‌خواهد تو بدانی که چه کار باید بکنی.



مخلصانه و بدون هوای نفس که عمل کردی، خدا راحت را جلوی پایت می‌گذارد، راه را برایت باز می‌کند.

۳. توجه به مقدرات الهی:

عامل دیگر برای شناخت نقش، توجه به مقدرات الهی است که بهترین راهنما برای ما هستند. یعنی با هر کار خیری مواجه شدی آن را انجام بده و بدان نقش تو در انجام آن کار خیر است. یک گرسنه‌ای سرِ راحت می‌آید، معطل نکن همان گرسنه را سیر کن. شاید الان نقش تو همین باشد. به کارهایی که برایت پیش می‌آید و جلوی راحت سبز می‌شود، توجه کن. زیاد این‌ور و آن‌ور نزن. شاید نقش تو همین باشد. نقش خودت را بگیر. زیاد برای خدا و خلق خدا تعیین و تکلیف نکن، زیاد برای خودت خیال بافی نکن.

امیرالمومنین علیه‌السلام در کلام راهگشایی می‌فرماید: «اگر خواستی به دنیا پردازی، زیاد سخت نگیر. یعنی اگر تلاش کردی و به آسانی به تو رسید، این را بردار مال توست و برای تو مقدر شده بود. اما اگر دیدی با تمام تلاشی که می‌کنی، به آسانی به دست نمی‌آید، رهایش کن؛ چون مال تو نیست و برای تو مقدر نشده است. «خُذْ مِنَ الدُّنْيَا مَا أَتَاكَ وَ تَوَلَّ عَمَّا تَوَلَّى عَنْكَ فَإِنَّ أَنْتَ لَمْ تَفْعَلْ فَأَجْمَلْ فِي الطَّلَبِ؛ آنچه از دنیا به تو رسد، بگیر، و آنچه به تو پشت کرد، رها کن. و اگر این کار را نکردی [و خواستی به طلب دنیا پردازی]، دست‌کم در طلب دنیا راه میانه را بگیر. (در طلب دنیا سخت نگیر»^{۵۶}

رفتار انسان عامل موثر در خلل یا بهبود نقش

ما باید سعی کنیم این نقش‌ها را که از قبل به ما داده شده است به خوبی ایفا کنیم. البته می‌توانیم در

این نقش‌ها، هم خلل ایجاد کنیم هم بهبود. تلاش هوی پرستانه، موجب خلل در نقش‌ها می‌شود و تلاش خدای پرستانه، موجب بهبود در نقش‌ها.

مثلاً خدا شما را انتخاب کرده است که برای حضرت ولیعصر سرباز درجه یک باشید، تو می‌توانی آن را خراب کنی، و در نقشت خلل ایجاد کنی و کاری کنی که خداوند تو را به عنوان سرباز درجه صد حضرت در نظر بگیرد. و شاید تو باز اشتباه کنی و نقشت باز هم پایین بیاید تا حدی که شاید کلاً این نقش سربازی از تو گرفته خواهد شد.

نقش پدر و مادر، نقش دست چندم؟

یکی از مهم‌ترین عواملی که در تقسیم بندی نقش، توسط خدا وجود دارد، صفای دل پدر و مادر است. پدرها و مادرها! دل خود را با صفا کنید؛ زیرا خدا به میزان صفای باطن شما، نقش عالی برای فرزندان‌تان تعیین می‌کند. خصوصاً مادرها که با صفای دل، نقش‌های عالی را برای فرزندان‌شان به ارمغان می‌آورند.

متأسفانه الان نقش مادری آنقدر مهم نیست، اگر مادری و نقش آن در هستی تبیین شده بود، این قدر مثل آب خوردن در کشور ما قتل جنین رخ نمی‌داد. ما روزانه چه آماری از جنایت در حق جنین در کشور داریم؟ چون نقش مادری، نقش دست چندم در ذهن ما هست نمی‌دانم. نقش‌های دیگر پررنگ تر هست. خانم حاضر نیست، زحمت فرزندآوری را تحمل کند، می‌رود زحمت سقط جنین را تحمل می‌کند. بله سقط جنین، راحتی نیست. وقتی یک مادری دستش به قتل جنین، باز شد، افسرده می‌شود، مضطرب می‌شود. رنج‌های روحی که خیلی بدتر از رنج مادری است. مادری رنج شیرین است. کدام مادری از مادر شدن، سختی مادر شدن، لذت نمی‌برد؟ سختی فرزند آوری،



به شیرینی آن می ارزد.

محمد بن مسلم یکی از یاران امام صادق (ع) نقل می کند: نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم که یونس بن یعقوب، ناله کنان وارد شد. امام صادق علیه السلام به وی فرمود: «چه شده که تو را نالان می بینم؟». گفت: کودکی دارم که سراسر شب، از [گریه های] او اذیت شدم. امام صادق علیه السلام به وی فرمود: ای یونس! پدرم محمد بن علی، از پدرانش، از جدّم پیامبر خدا نقل کرد که جبرئیل علیه السلام بر وی فرود آمد، در حالی که پیامبر خدا و علی- که درود خدا بر آنان باد- ناله می کردند. جبرئیل علیه السلام گفت: ای حبیب خدا! چه شده که تو را نالان می بینم؟ پیامبر خدا فرمود: «دو کودک داریم که از گریه آنان، اذیت شده ایم». جبرئیل علیه السلام گفت: صبر کن، ای محمد! چرا که به زودی برای این قوم، پیروانی برانگیخته می شوند که هر گاه یکی از آنان گریه کند، گریه اش تا هفت سالگی «لا اله الا الله» است و وقتی از هفت سالگی گذشت، گریه اش تا بلوغ، آمرزش خواهی برای پدر و مادرش است و چون از بلوغ گذشت، هر کار نیکی که انجام دهد، به نفع پدر و مادرش باشد و هر کار ناشایستی که انجام دهد، به زیان آنان نباشد.^{۵۷}

نقش مادری آنقدر مهم نیست که خانم ها و آقایان مثل

۵۷. «كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ دَخَلَ يُونُسُ بْنُ يَعْقُوبَ فَرَأَيْتُهُ يَبْنُ، فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا لِيَ أَرَاكَ تَنْنُ؟ قَالَ: طِفْلٌ لِي تَأْذِيْتُ بِهِ اللَّيْلَ أَجْمَعَ.

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا يُونُسُ، حَدِّثْنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، عَنْ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّ جِبْرِئِيلَ نَزَلَ عَلَيْهِ وَرَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا يَبْنَانِ، فَقَالَ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا حَبِيبَ اللَّهِ، مَا لِيَ أَرَاكَ تَنْنُ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طِفْلَانِ لَنَا تَأْذِينَا بَبُكَائِهِمَا. فَقَالَ جِبْرِئِيلُ مَهْ يَا مُحَمَّدُ، فَإِنَّهُ سَيُبْعَثُ لَهُوَلَا: الْقَوْمُ شِيعَةُ إِذَا بَكَى أَحَدُهُمْ فَبُكَاهُ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» إِلَى أَنْ يَأْتِيَ عَلَيْهِ سَبْعُ سِنِينَ، فَإِذَا جَازَ السَّبْعُ فَبُكَاهُ اسْتَغْفَرَ لَوَالِدَيْهِ إِلَى أَنْ يَأْتِيَ عَلَى الْحَدِّ، فَإِذَا جَازَ الْحَدَّ فَمَا أَتَى مِنْ حَسَنَةٍ فَلَوْلَايِهِ، وَ مَا أَتَى مِنْ سَيِّئَةٍ فَلَا عَلَيْهِمَا.» (كافى: ج ۶ ص ۵۲ ح ۵)

آب خوردن به خاطر حرف مردم، به خاطر وقت نداشتن، به خاطر بسیاری از بهانه ها حاضرند، نفس یک جنین را بند بیاورند، نگذارند یک نفس به عالم هستی اضافه شود. والله جنین، جسم بی جان نیست. اگر جسم بی جان بود، در احکام اسلامی دیه برایش قرار نمی دادند. کشتنش حرمت نداشت. به چه حقی یک مادر و پدر به خودشان اجازه می دهند، قتل جنین انجام دهند؟ اکثر این جنین ها حق حیات دارند. چرا حق حیات را از آنها می گیرند. بهانه ها هم الحمد لله جور هست. بدترین و زشت ترین کارها را یک رنگ و بوی حق و حقوق مادری می زنند بعد مثل آب خوردن قتل انجام می دهند. می گویند پس حق مادر چه می شود؟ شاید جان مادر به خاطر بیفتند، بله آنجایی که جان مادر نیاز به حفظ دارد، شما جان مادر را حفظ کن، حق نداری طور دیگری عمل کنی اما خیلی از این موارد قتل جنین، اصلاً مسئله حفظ جان مادر نیست. چطور یک خانمی به خودش حق می دهد، فرزند خودش را به قتل برساند؟

من نمی گویم مادر قاتل است وقتی بی دلیل فرزندش را سقط می کند، امام صادق (ع) فرمود: مادری که فرزندش را بدون دلیل موجه شرعی سقط کند، قاتل است.^{۵۸} فردای قیامت هم باید پاسخگو باشد.

فدای آن جنین بشوم، که چه نقش مهمی را در جان ایفا کرده است؟ پشت در خودش را فدای امامت کرد. خدا چه نقشی به محسن بن علی (ع) داده است؟ پیامبر فرمود: «علی جان در بهشت برای تو یک گنج پنهان است؛ یا

۵۸. «عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ امْرَأَةٍ شَرَبَتْ دَوَاءً وَهِيَ حَامِلٌ وَلَمْ يَعْلَمْ بِذَلِكَ زَوْجُهَا فَأَلْقَتْ وَلَدَهَا قَالَ فَقَالَ إِنْ كَانَ لَهُ عَظْمٌ وَ قَدْ نَبَتَ عَلَيْهِ اللَّحْمُ عَلَيْهَا دِيَةٌ تُسَلِّمُهَا لِأَيِّهِ وَ إِنْ كَانَ حِينَ طَرَحَتْهُ عُلْقَةً أَوْ مُضْغَةً فَإِنَّ عَلَيْهَا أَرْبَعِينَ دِينَارًا أَوْ عُرَّةً تُؤَدِّيَهَا إِلَى أَبِيهِ قُلْتُ لَهُ فَهِيَ لَا تَرُثُ وَلَدَهَا مِنْ دِيَّتِهِ مَعَ أَبِيهِ قَالَ لَا لِأَنَّهَا قَتَلَتْهُ فَلَا تَرُثُهُ» (کافی، ج ۷، ص ۱۴۱)



علی، إِنْ لَكَ كَنْزٌ فِي الْجَنَّةِ وَ أَنْتَ ذُو قُرْنِيهَا» بزرگان گفته اند منظور از این گنج پنهان، محسن بن علی (ع) است. در جامعهٔ خودمان، روز شهادت حضرت زهرا(س)، نهضتی راه بیندازیم برای حیات جنین. مادرها با دخترانشان گفتگو کنند، با عروس و پسرهایشان گفتگو کنند. بگوییم: «حیات و ممات حق خداست.» ما به چه حقی فکر می کنیم این حق را داریم حیات و ممات جنین را دست بگیریم؟ نباید نقش مادری، نقش دسته چنم گرفته شود، اگر این شود، این عوارض را هم دارد.

نقش ویژه حضرت زهرا - سلام الله علیها - در عالم

حضرت زهرا سلام الله علیها در این عالم، نقش های ویژه و منحصر به فردی داشتند که برخی از نقش های اجتماعی آن حضرت در دوران آخرالزمان و حکومت امام زمان علیه السلام در مباحث فاطمیه مورد بحث قرار گرفت. در اینجا به برخی از نقش های ویژه آن حضرت در عالم هستی اشاره می کنیم:

۱. دختر و محبوب پیغمبر: نقش فاطمه زهرا - سلام الله علیها - به عنوان دختر پیغمبر، دختری که مایه ی تسکین دل پیامبر بود، یک نقش ویژه است. عواطف شخص اول خلقت متوجه زهرا ی اطهر سلام الله علیها است. رسول خدا که اشرف ابناء بشر هستند، شدت علاقه اش به دخترشان، نه تنها بی دلیل نیست بلکه بی ضرورت هم نیست. اگر برای رسول خدا مهر ورزیدن به فاطمه سلام الله علیها ضرورت نداشت، آیا خدا چنین محبتی را در دل رسول خدا نسبت به صدیقه کبری ایجاد می کرد؟ این عشق و علاقه ای که رسول خدا به فاطمه داشت به روشنی نشان می دهد که خداوند فاطمه را برای حبیب خودش خلق کرده بود تا بتواند ملجأ و مأوای عاطفه رسول خدا باشد. این فاطمه سلام الله علیها بود

که نقش محبوبِ رسول خدا را ایفا کرد. این فاطمه بود که می‌توانست محمل، ملجأ و مأوای اوج عاطفه رسول خدا باشد. اگر فاطمه نبود، این اوج عاطفه رسول خدا، در کجا آرام و قرار می‌گرفت؟ این نقش، نقش خیلی بزرگ و نشان دهنده عظمت حضرت زهرا - سلام الله علیها - است.

۲. همسر علی ابن ابیطالب علیه السلام: نقش دیگری که حضرت زهرا - سلام الله علیها - داشتند، همسری امیرالمؤمنین است. اگر او نبود، علی ابن ابیطالب کفوی در این عالم پیدا نمی‌کرد.

۳. نقش دیگری که دارند، مادر حسنین و مادر زینبین‌اند.

۴. ام‌الائمہ: حضرت زهرا - سلام الله علیها - مادر امامان ما هستند. وجود حضرت زهرا - سلام الله علیها - در همه امامان ما مؤثر بوده است. شاهد این مطلب همین بس که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم خطاب به زهرا - سلام الله علیها - می‌فرمودند: «یا فاطمة ابشری فانَّ المهدی منک» مهدی از توست.^{۵۹} آن نوری که از فاطمه زهرا - سلام الله علیها - در وجود امام زمان علیه السلام ما هست، نقش خاص فاطمه زهرا - سلام الله علیها - را نشان می‌دهد.

۵. مادر شیعیان: در روایت آمده است که جبرئیل اتفاقات شیعیان را تا روز قیامت برای حضرت زهرا (س) بیان کردند. این بازگو کردن برای چیست؟ چرا جبرئیل این مأموریت را دارد؟ آیا فقط به خاطر این است که حضرت زهرا - سلام الله علیها - آگاه شوند؟ همین. خُب حتماً لازم بوده است که حضرت بدانند. خدا که کار عبث نمی‌کند. خداوند به حضرت زهرا - سلام الله علیها - نسبت به تک تک ما شیعیان مسئولیتی داده است. به همین خاطر است که حوادث زندگی تک تک ما به ایشان

اطلاع داده شده است.

نقشی که زهرای اطهر سلام الله علیها در عالم هستی داشتند، نقش بی نظیری است. این نقش به هیچ زن و به هیچ مردی داده نشده است.^{۶۰}



